



Research Article

Designing the employability model of university graduates

Farajallah Rahim*: Associate Professor, Department of Management, Faculty of Economic and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

f.rahimi@scu.ac.ir

Abdollah Darzian Azizi: Assistant Professor of management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

darzianazizi@scu.ac.ir

Yadollah Mehralizadeh: Professor, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

mehralizadeh-y@scu.ac.ir

Aliyeh Maleki: M.A in Business Administration, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Aliyeh.maleki@yahoo.com

Abstract

the major goal of this research is to design the employability model of university graduates. To this end, qualitative research, grounded theory method and in-depth interview have been applied. The statistical population of the study was faculty members of Shahid Chamran university of Ahvaz. 15 people were selected as research samples, using theoretical sampling method. The content of interviews was analyzed using open coding, axial coding and selective coding, after being logged. The components identified from the results of data analysis in the form of paradigmatic model are: casual conditions (student, professor, curriculum, educational factors), axial phenomenon (skills), contextual conditions (higher education policies, government policies, university philosophy, condition political organizational and meta organizational factors, regulations, management factors, condition economical), interfering conditions (socio-cultural factors), strategies (improving the quality of university performance, the level of interactions, international position of university, educational activities and educational situation), consequences (employability and its results at three levels: individual, organization and society). In selective coding, formation of “employability” was proposed as the core and center of the discussion and the employability theory was presented, based on that. The most important common feature of the designed model with others is related to the classes of skills and curriculum, and considering all the components affecting employability, is the most important difference from all previously designed models.

Key Words: Designing the model, employability, university graduates

* Corresponding Author



رویکردهای نوین آموزشی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

سال هفدهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص: ۱۱۴-۸۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۹

مقاله پژوهشی

طراحی مدل اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان دانشگاه

فرج‌الله رحیمی*: دانشیار رشته مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران

اهواز، اهواز، ایران

f.rahimi@scu.ac.ir

عبدالهادی درزیان عزیزی: دانشیار رشته مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید

چمران اهواز، اهواز، ایران

darzianazizi@scu.ac.ir

یدالله مهرعلی‌زاده: استاد تمام رشته مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید

چمران اهواز، اهواز، ایران

mehralizadeh-y@scu.ac.ir

عالیه مالکی: کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی، گروه مدیریت، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران

اهواز، اهواز، ایران

Aliyeh.maleki@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی مدل اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. به این منظور از پژوهش کیفی، روش داده‌بنیاد و مصاحبه‌های عمیق استفاده شد. جامعه پژوهشی، اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شهید چمران اهواز بودند و با استفاده از نمونه‌گیری نظری ۱۵ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. متن مصاحبه پس از پیاده‌سازی با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. مؤلفه‌های شناسایی‌شده از نتایج تحلیل داده‌ها در قالب مدل پارادایمی عبارت‌اند از: شرایط علی (دانشجو، استاد، برنامه درسی و عوامل آموزشی)، پدیده محوری (مهارت‌ها)، بستر حاکم (سیاست‌های آموزش عالی، سیاست‌های دولت، فلسفه دانشگاه، عوامل سازمانی و فراسازمانی، عوامل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و قوانین و مقررات)، شرایط مداخله‌گر (عوامل اجتماعی- فرهنگی)، راهبردها (بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه، ارتقای سطح تعاملات، ارتقای جایگاه بین‌المللی دانشگاه، بهبود فعالیت‌های آموزشی و ارتقای وضعیت آموزشی)، پیامد اشتغال‌پذیری و نتایج حاصل از آن در سه سطح فرد، سازمان و اجتماع است. در کدگذاری گزینشی شکل‌گیری اشتغال‌پذیری به‌عنوان هسته و مرکز بحث مطرح و براساس آن نظریه اشتغال‌پذیری ارائه شد. مهم‌ترین وجه شباهت الگوی طراحی شده مربوط به طبقه‌های مهارت و برنامه درسی است. جامعیت مدل و در نظر گرفتن تمامی مؤلفه‌های مؤثر بر اشتغال‌پذیری مهم‌ترین وجه تمایز آن با تمام مدل‌هایی است که تاکنون طراحی شده است.

واژگان کلیدی: طراحی مدل، اشتغال‌پذیری، دانش‌آموختگان دانشگاه

* نویسنده مسئول:



مقدمه

مسئله بیکاری جوانان برای بسیاری از کشورهای صنعتی فراوانی دارد (مک دونالد^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). نرخ بیکاری به عنوان وسیله‌ای برای سنجش میزان سلامت اقتصادی یک کشور در نظر گرفته می‌شود (مویتا^۲، ۲۰۱۸). بر این اساس، کاهش بیکاری و افزایش اشتغال از اهداف کلان توسعه در کشورهای مختلف است. بیکاری، بحرانی است که برای کل جامعه تهدید محسوب می‌شود. به خصوص بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که پیامدهای جبران‌ناپذیری را در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آورد (کیپر^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). دانشجویان پیش از ورود به قرن جدید و مواجهه با تغییرات گسترده دنیای کار تصور می‌کردند، پس از فارغ‌التحصیلی به کاری مادام‌العمر اشتغال خواهند داشت و دغدغه مشاوران شغلی هم کمک به دانشجویان برای یافتن شغلی مشخص و آماده‌شدن برای اشتغال بود؛ اما با ظهور تغییرات اساسی در دنیای کار قرن جدید و تغییر قواعد، اشتغال و حفظ شغل دیدگاه متداول امروزی بیان می‌کند که دانشجویان در یک طرح مداوم و پیوسته باید آمادگی مواجهه با دنیای کار را کسب کنند (گل پیچ و همکاران، ۱۳۹۸). بسیاری از فارغ‌التحصیلان جدید یا بیکارند یا یافتن شغل در بخش‌هایی که در آن آموزش دیده‌اند و به آن علاقه‌مند هستند، برایشان دشوار است. اهمیت مفهوم اشتغال در آموزش عالی با گذشت زمان بسیار افزایش یافته است (کیپر و همکاران، ۲۰۱۹). امروزه دیگر داشتن مدرک تحصیلی تضمین‌کننده اشتغال در بازار رقابتی کار نیست (پینگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۸). مویتا (۲۰۱۸) معتقد است که ضعف مهارتی دانش‌آموختگان به بیکاری منجر می‌شود. در اقتصاد دانش و رقابتی دنیای ما که تغییر، واقعی‌تری روزمره است، اهمیت اشتغال‌پذیری موضوعی است که همه سیاست‌گذاران و دانشمندان درباره آن اتفاق نظر دارند (رومگنز^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان به هدفی تبدیل شده است که دولت‌ها در سراسر جهان تا حد زیادی آن را به سیستم‌های آموزش عالی تحمیل می‌کنند (یورک^۶، ۲۰۱۷). افزایش فشار برای پاسخ‌گویی به انتظارات ذی‌نفعان در سراسر دنیا موجب شده است که مؤسسات آموزش عالی اشتغال‌پذیری را به عنوان اولویتی برای قرن ۲۱ بپذیرند؛ بنابراین سیاست‌های آموزش عالی در سطح جهانی حاکی از نوعی توجه و دغدغه نسبت به موضوع اشتغال‌پذیری است (یاسون^۷ و همکاران، ۲۰۲۰).

سراجی (۱۳۹۷) چنین بیان می‌کند که در گذشته وظیفه اصلی دانشگاه محدود به آموزش نیروی کار و پژوهش درباره مسائل مختلف جامعه بود؛ اما امروزه آموزش عالی باید از طریق آموزش و پژوهش به دنبال حل مشکلات جامعه و رسیدگی به بخشی از مسائل اشتغال و کسب مهارت‌های شغلی جدید باشد. آموزش عالی به‌طور پیوسته با نیازهای اقتصادی و نیروی انسانی در ارتباط است؛ در نتیجه فشار برای تربیت دانش‌آموختگانی اشتغال‌پذیر را تجربه می‌کند (لورنز و مالهربه^۸، ۲۰۱۶). یوریکو^۹ و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، یکی از اهداف دانشگاه‌ها برای پاسخ‌گویی به تقاضای بازار کار، زیادکردن کیفیت منابع انسانی است؛ از این رو، تلاش دانشگاه‌ها اجرای سیاست‌ها و مسائل آموزشی برای اشتغال‌پذیر کردن افراد است. اشتغال‌پذیری، توانایی فرد برای به دست آوردن شغل اولیه، حفظ این شغل و در صورت

-
1. McDonald
 2. Muvita
 3. Keiper
 4. Ping
 5. Romgens
 6. Yorke
 7. Yawson
 8. Lourens & Malherbe
 9. Eurico

لزوم شغل جدید است. این مفهوم مربوط به قابلیت‌ها، دانش و مهارت‌های فرد است و وی را قادر می‌کند، شغلی را بیابد که رضایت خاطرش را فراهم کند و به‌عنوان عاملی تسهیل‌کننده هم برای افراد و هم برای سازمان‌ها عمل می‌کند (دوبی و تیواری^۱، ۲۰۲۰). اشتغال‌پذیری در دهه گذشته به‌عنوان مفهومی اصلی در سیاست‌های بازار کار بین‌المللی شناخته شده است و یکی از چهار ستون راهبردی اشتغال در اروپا را تشکیل می‌دهد. این مفهوم به‌عنوان راهکار سازگاری فعال در یک شغل ویژه شکل گرفته است که افراد را در شناسایی و تشخیص فرصت‌های شغلی توانمند می‌کند (روشنی و همکاران، ۱۳۹۸). اگرچه اشتغال‌پذیری دانشجویان متأثر از طیف وسیعی از عوامل و ذی‌نفعان است، دانشگاه در ارتقای اشتغال‌پذیری فارغ‌التحصیلان و آماده‌سازی آنها برای کار و اجتماع، تجهیز فارغ‌التحصیلان به دانش، مهارت، ارزش‌ها و اعتمادبه‌نفس برای شناسایی و نهایت استفاده از فرصت‌های ایجاد شغل برای آنها نقشی حیاتی ایفا می‌کند (واکر و فونگوا^۲، ۲۰۱۷). تیرناوکاراسو و همکاران^۳ (۲۰۲۰) بیان کرده‌اند که مؤسسات آموزش عالی به دلیل فقدان مهارت‌های موردنیاز در فارغ‌التحصیلانی که به‌دنبال شغل هستند، انتقاد می‌شوند. درحقیقت آنچه باعث کاهش اشتغال فارغ‌التحصیلان می‌شود، شکاف بین مهارت‌های فارغ‌التحصیلان و انتظارات بازار کار است. جامعه ایران نیز از این دست تحولات مستثنا نیست و بخشی از جمعیت در سن کار، بیکار و در نتیجه درگیر فرایند کاریابی هستند؛ بنابراین بررسی مسئله اشتغال‌پذیری در شرایط فعلی دنیای کار و با توجه به تغییرات پیش‌آمده در مسیرهای شغلی ضروری به نظر می‌رسد (مقدس و نیلفروشان، ۱۳۹۹). بررسی سوابق پژوهش‌ها درباره اشتغال دانش‌آموختگان نشان‌دهنده آن است که مسئله اشتغال دانش‌آموختگان در ایران یکی از عمده‌ترین چالش‌های پیش روی نظام آموزش عالی کشور است (روشنی و همکاران، ۱۳۹۸).

با نگاهی به برخی از آمارهای موجود در خصوص اشتغال دانش‌آموختگان و بررسی تعداد دانشجویان کشور مشخص می‌شود که وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی مناسب نیست. بهبود کیفی نیروی کار دانش‌آموختگان از وظایف وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است؛ ولی بهبود فضای کسب و کار، کاهش تصدی‌گری دولت و نهادها، استفاده بهینه از بازار کار و نیازهای کشور، مدیریت همکاری‌های بین‌المللی متولیان دیگری دارد که در اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بسیار حائز اهمیت است و باید اقدامات مؤثر و جدی در آن حوزه‌ها صورت گیرد (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۷). طبق آمار منتشرشده مرکز آمار ایران در تیرماه ۱۳۹۸، سهم جمعیت بیکار ده‌ساله کشور را بیشتر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی تشکیل می‌دهند. این رقم در حدود ۴۰/۳ درصد بوده که نسبت به سال قبل از آن ۳/۹ درصد افزایش یافته است. با توجه به اینکه نرخ بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران به مراتب زیاد است، ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیازمند تدوین برنامه‌ای جامع برای ارتقای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی است که کاری پیچیده و مشکل و نیازمند تعامل و همکاری تمامی ذی‌نفعان است؛ از این رو، در پژوهش حاضر سعی در شناسایی عوامل مؤثر در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان از طریق طراحی مدلی جامع شده است که تا جای امکان تمام عوامل و شرایط لازم را برای اشتغال‌پذیری شناسایی کند و چارچوبی اثربخش در زمینه مدنظر ارائه دهد.

1. Dubey & Tiwari
2. Walker & Fongwa
3. Thirunavukarasu

- پژوهش حاضر به «طراحی مدل اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه» توجه می‌کند. به‌منظور درک بیشتر این مفهوم و دستیابی به هدف اصلی مقاله، مهم‌ترین سؤال‌های مطرح‌شده در این مطالعه عبارت‌اند از:
۱. شرایط علی اثرگذار بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه کدام است؟
 ۲. بستر (شرایط زمینه‌ای) اثرگذار اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه کدام است؟
 ۳. عوامل مداخله‌گر مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه کدام است؟
 ۴. راهبردهای افزایش اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه کدام است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که در آن با استفاده از رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد - طرح نظام‌مند^۱ (اشتراوس و کوربین) به طراحی الگوی قابلیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی توجه شده است. مراحل انجام تئوری داده‌بنیاد در این مطالعه با استفاده از ابعاد مدل پارادایم شامل شرایط علی، پدیده محوری، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدهاست. برای انجام مصاحبه و گردآوری داده‌ها اعضای هیئت‌علمی متخصص در رشته‌های مختلف دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ به‌عنوان جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته شده است. تمامی این افراد پست مدیریتی یا برنامه‌ریزی در حوزه آموزش عالی دارند و در زمینه موضوع پژوهش دارای تخصص علمی و تجربه کاری و پژوهشی هستند. در این پژوهش معیارهایی برای یافتن نمونه‌های هدفمندی در نظر گرفته شد که اطلاعات مفیدی در اختیار پژوهش‌گر قرار دهد. از جمله: ۱. داشتن تجربه میدانی در حوزه مورد مطالعه و همچنین طراحی الگوی آموزشی؛ ۲. تألیف یا پژوهش در حوزه‌های نظام آموزش عالی، آموزش، تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی؛ ۳. داشتن پست مدیریتی یا برنامه‌ریزی در حوزه آموزش عالی.

همچنین از روش نمونه‌گیری نظری^۲ با دو خصوصیت مهم هدفمندبودن و اشباع^۳ نظری برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شده است. در نهایت، ۱۵ نفر از اعضای هیئت‌علمی به‌عنوان نمونه مدنظر انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش از مصاحبه عمیق استفاده شد. با توجه به موضوع، ضرورت و هدف انجام پژوهش در هر مصاحبه اطلاعات فشرده‌ای به مصاحبه‌شونده ارائه شد. بعد از آن فرآیند مصاحبه با طرح پرسش اصلی شروع شد، گفت‌وگو با توجه به نوع پاسخ یا حتی پرسش‌های مصاحبه‌شوندگان برای رفع ابهام و روشن‌تر شدن مسئله ادامه یافت و فرآیند مصاحبه برای فراهم کردن داده‌های مدنظر پژوهش‌گر با مطرح کردن پرسش‌های تکمیلی هدایت شد. تا زمانی که پژوهشگر از بابت به دست آوردن داده‌های کامل از فرد اطمینان پیدا کرده یا مصاحبه‌شونده اعلام می‌کرد، اطلاعات بیشتری در اختیار ندارد که به پژوهشگر ارائه دهد، گفت‌وگو ادامه می‌یافت؛ در نتیجه زمان انجام مصاحبه‌ها با توجه به سطح اطلاعات مصاحبه‌شوندگان و تمایل آنها برای ادامه مصاحبه بین ۶۵ تا ۱۱۰ دقیقه متغیر بود. در طول فرآیند مصاحبه، تلاش بر این بود که مصاحبه با تمرکز بر موضوع و پرسش‌های اصلی پژوهش انجام شود؛ از این رو، جریان مصاحبه با وجود انعطاف‌پذیری و بیان آزاد مصاحبه‌شوندگان در ارائه داده‌ها و با طرح پرسش‌های کمک‌کننده در مواقع ضروری هدایت می‌شد. تمامی مصاحبه‌ها به‌طور کامل ضبط و بعد از اتمام، هر مصاحبه به‌صورت کامل و کلمه به کلمه

1. Grounded theory- Systematic plan
2. Theoretical sampling
3. Saturation

پیاده‌سازی و درنهایت، تحلیل شد. وقتی پژوهشگر بعد از هر مصاحبه به پیاده‌سازی و تحلیل مصاحبه می‌پردازد، پرسش‌ها و فرآیند مصاحبه‌های بعدی را بهبود می‌دهد و دربارهٔ رسیدن به اشباع نظری بهتر تصمیم‌گیری کند. تمامی مصاحبه‌ها به‌طور کامل ضبط و بعد از اتمام، هر مصاحبه به‌صورت کامل و کلمه به کلمه پیاده‌سازی و تحلیل شد. در طول فرآیند پژوهش، داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری در سه مرحلهٔ کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شدند و براساس آن الگوی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی طراحی شد. در فرآیند سه مرحله‌ای کدگذاری، متون مصاحبه به‌دقت بررسی و کدهای باز استخراج شد. در این مرحله تعداد زیادی از کدها به شیوه‌های مختلف تکرار شدند یا با هدف پژوهش غیر مرتبط هستند؛ از این رو، نیاز است، پژوهشگر کدهای باز را ارزیابی کند و تعداد کدها را از طریق پالایش کاهش دهد. در مرحلهٔ کدگذاری محوری براساس شباهت‌های معنایی، کدهای باز دسته‌بندی و برای هر دسته یک مفهوم در نظر گرفته شد. سپس مجموعه‌ای از مفاهیم زیر عنوان یک طبقهٔ فرعی قرار گرفتند و درنهایت، طبقهٔ محوری به دست آمد. بنابر گفته‌های اشتراوس و کوربین^۱ (۲۰۰۸) شباهت مفاهیم به‌عنوان یک فعالیت، پدیده یا رویداد ملاک دسته‌بندی‌هاست. این دسته‌بندی‌ها روابط میان کدهای تولیدشده را کشف می‌کند و سبب سهولت فرآیند نظریه‌پردازی و طراحی الگوی پارادایمی برای نظریه‌پرداز می‌شود. بر این اساس، کدگذاری محوری دارای دو گام اصلی است که عبارت‌اند از طبقه‌بندی کدهای باز در طبقه‌های اصلی و تعیین روابط بین مفاهیم. طبقهٔ محوری در این پژوهش مهارت‌ها (فردی، آکادمیک و کسب و کار) بود که تحت تأثیر شرایط علی ایجاد و درنهایت به اتخاذ راهبرد و شکل‌گیری پیامد نهایی منجر شد. راهبردهای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی تحت تأثیر بستر حاکم و شرایط مداخله‌گر اشتغال‌پذیری دانشگاهی قرار دارد. بازهٔ زمانی مربوط به جمع‌آوری و رسیدن به نظریهٔ پژوهش در حدود ده ماه بوده است. نتایج پژوهش برای چند نفر از شرکت‌کنندگان ارسال شد که پس از مطالعهٔ نظریه، نظرات و پیشنهادها آنها اعمال شد؛ همچنین این پژوهش توسط سه نفر از اساتید مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفت.

در این پژوهش برای رسیدن به توافق جمعی دربارهٔ چگونگی انجام مصاحبه‌ها و مراحل کدگذاری، فرآیندهای مذکور به‌وسیلهٔ اساتید راهنما و مشاور بررسی شد؛ همچنین به‌جز پژوهشگر از یک فرد باتجربه در زمینهٔ انجام پژوهش‌های کیفی، کدگذاری و آشنا با ادبیات پژوهش درخواست شد تا فرآیند کدگذاری را انجام دهد. با مقایسهٔ نتایج به‌دست آمده تناسب زیادی بین دو کدگذار وجود داشت که نشان‌دهندهٔ پایایی در کدگذاری بود.

یافته‌های پژوهش

در طول فرآیند کدگذاری باز در پانزده مصاحبهٔ انجام‌شده حدود ۴۰۰ کد اولیه حاصل شد که پس از پالایش کدهای باز و انتخاب کدهای مشابه و انتخاب کدهای مرتبط با اهداف این پژوهش تعداد کدها به ۲۴۰ عدد کاهش یافت. در مرحله کدگذاری محوری پس از پالایش و دسته‌بندی کدها براساس متن مصاحبه‌ها و نیز مراجعهٔ مکرر به پیشینهٔ پژوهشی برای هر دسته مفهوم مشخصی در نظر گرفته شد. سپس مفاهیم به‌دست آمده براساس محتوا و مفهوم مشترک مجدد دسته‌بندی شدند و زیر عنوان طبقه‌ای فرعی قرار گرفتند. در این مرحله، پس از کدگذاری باز مهارت‌ها به‌عنوان پدیدهٔ محوری شناسایی شد. علل ایجاد مهارت‌ها ۷ طبقهٔ فرعی استاد، دانشجو، قوانین و مقررات، برنامهٔ درسی،

عوامل آموزشی، مدیریتی و اقتصادی است. بستر حاکم نیز در برگیرنده پنج طبقه فرعی، سیاست‌های آموزش عالی و دولت، فلسفه دانشگاه، عوامل سازمانی و فراسازمانی و عوامل سیاسی و شرایط مداخله‌گر در برگیرنده یک طبقه فرعی و اجتماعی - فرهنگی است. راهبردهای این پژوهش شامل پنج طبقه فرعی، بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه، ارتقای سطح تعاملات، ارتقای جایگاه بین‌المللی، بهبود فعالیت‌های پژوهشی و ارتقای وضعیت آموزشی است. در نهایت، پیامد ایجاد انواع مهارت‌ها، اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی و آثار آن در سه سطح فرد، سازمان و جامعه است. در این مرحله در مجموع ۶۲ مفهوم در غالب ۲۲ طبقه فرعی قرار گرفتند. در ادامه، تمامی طبقات با مقوله‌های اصلی و فرعی توضیح داده می‌شوند:

الف) شرایط علی

نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن بود که استاد، دانشجو، برنامه درسی، عوامل آموزشی به‌عنوان شرایط علی بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی اثرگذار است. در ادامه، توضیحاتی پیرامون هر کدام ارائه می‌شود:

۱- اساتید:

یکی از مهم‌ترین ارکان آموزش عالی محسوب می‌شوند. اساتید، مهم‌ترین عامل در تربیت نیروی انسانی هستند. کدهای باز مرتبط با طبقه اصلی استاد در سه طبقه مفاهیم با عناوین ارتقای سطح کیفی اعضای هیئت علمی، حضور فعال اساتید در بازار کار برای کسب تجربه میدانی، هدایت فکری، اخلاقی و مشاوره به دانشجویان قرار گرفتند. یکی از عواملی که سبب افزایش سطح کیفی اساتید می‌شود، به‌روز بودن و تسلط به محتوای درسی و شیوه‌های نوین تدریس است. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص چنین بود:

«با توجه به رشد علم و فناوری که نتیجه‌اش تخصصی و پیچیده‌تر شدن دانشه، سؤالات فراوانی برای دانشجویان ایجاد می‌شود. اساتید باید به علم روز دنیا مجهز [به‌روز بودن] باشن و بتونن به‌طور منطقی به سؤال‌های دانشجویان پرسشگر پاسخ بدن. اساتید باید به شیوه‌های نوین تدریس آگاهی و اشراف داشته باشن [تسلط به شیوه‌های نوین تدریس] و از ارائه یکسری مطالب تکراری در تدریس و جزوه محوری دوری کنن. نیازه که اساتید با این کارها بتونن مرجعیت علمی و اخلاقی خودشون رو حفظ کنن.»

۲- دانشجو:

در میان عوامل فردی، نقش دانشجو برای رسیدن به اشتغال‌پذیری اهمیت بیشتری دارد. کدهای باز در این طبقه در سه طبقه مفاهیم قرار گرفتند. هدف‌گذاری یکی از عوامل بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در زندگی شخصی هر فردی از جمله دانشجویان به شمار می‌رود. یکی از صاحب‌نظران در این خصوص چنین اظهار داشت: «تعیین اهداف از اون جهت مهمه که باعث ایجاد آرامش، نظم و سامان‌دهی زندگی میشه. کسی که هدف نداره، سردرگمه و برنامه‌ریزی براش ممکن نیست و به‌احتمال دچار افسردگی، ناامیدی و آسیب‌های زیادی میشه. تعیین اهداف یکی از عوامل مهم آرامش و شاد زندگی کردنه.»

۳- برنامه درسی:

در کنار عوامل فردی استاد و دانشجو، برنامه درسی یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم برای افزایش کارایی دانشگاه و ابزاری قوی برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های دانشگاه است. کدهای باز مرتبط با طبقه برنامه درسی در چهار طبقه از مفاهیم قرار گرفتند. در خصوص برنامه درسی یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود:

«برنامه درسی یکی از ابزارهای مهم هر دانشگاهی برای رسیدن به اهدافش محسوب میشه. با توجه به تحولات مختلف اقتصادی، اجتماعی و دگرگونی دانش باید بازنگری برنامه درسی هم با توجه به تحولات روز انجام بشه. در بازنگری برنامه درسی نیازهای دانشجوی و جامعه، انعطاف‌پذیری برنامه درسی و بومی‌سازی با توجه به نیازها و اولویت‌های فرهنگی کشور در اولویت هستن. اگر در تدوین و بازنگری برنامه درسی این موارد رعایت بشه و در فرآیند تدوین برنامه درسی، محتوا براساس نیازهایی که در بازار کار وجود داره، تنظیم بشه، میشه یک برنامه درسی منعطف و کارآمد داشت که دانشگاه رو به سمت پیشبرد اهدافش سوق میده.»

۴- عوامل آموزشی:

عوامل آموزشی از دیگر عوامل ذکر شده به‌عنوان شرایط علی است. در این قسمت نیز کدهای باز در قالب دو طبقه از مفاهیم قرار گرفتند.

نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان درخصوص تناسب آموزش‌ها با بازار کار به این شکل بود:

«بازار کار به دنبال نیروی زبده و مسلط به دانش روز و مهارت محوره. نیرویی که بتونه کارآمدی تولید و کسب و کار رو افزایش بده و از ایجاد مشکلات جدید و کاهش بهره‌وری جلوگیری کنه. این در صورتی امکان‌پذیره که نیروها آموزش صحیح و متناسب دیده باشن. بهتره که با نیازسنجی درست از بازار، برنامه‌ریزی دقیقی برای تناسب آموزش‌ها و سرفصل دروس با نیازهای بازار کار انجام بشه. در این صورت به علت آموزش‌های مرتبط‌تر و متناسب، امکان موفقیت دانش‌آموخته افزایش پیدا می‌کنه.»

جدول ۱: مراحل چندگانه کدگذاری داده‌ها (شرایط علی)

طبقه اصلی: شرایط علی		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز (اولیه)
دانشجو	لزوم توجه به هدف‌گذاری، تلاش، کسب دانش و مهارت برای نیل به اهداف	بالا بودن روحیه مطالبه‌گری و فعال‌بودن، زیادبودن سرانه مطالعه درسی، شناخت آینده شغلی، تلاش برای کسب مهارت، اهمیت تعیین اهداف توسط دانشجویان
	تقویت ویژگی‌های فردی و شخصیتی	داشتن امید، خوش‌بینی و کارآمدی، اهمیت سرزندگی و نشاط دانشجوی، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی، نظم و انضباط، بلوغ فکری و روانی، داشتن اعتمادبه‌نفس، علاقه و پابندی به هدف
	اهمیت شبکه اجتماعی و ارتباطی دانشجویان	انتخاب شغل و مسیر شغلی، کسب مزیت رقابتی از طریق ارتباط با رهبران کسب‌وکار
اسناد	ارتقای سطح کیفی اعضای هیئت علمی	به‌روز بودن و تسلط به محتوای درسی و شیوه‌های نوین تدریس، افزایش کیفیت کارهای پژوهشی، افزایش کیفیت زندگی اساتید
	حضور فعال اساتید در بازار کار برای کسب تجربه میدانی	آشناسازی هیئت علمی با فرآیندها، نحوه انجام امور در واحدهای تولیدی و خدمات، اهمیت داشتن تجربه میدانی اساتید
	هدایت فکری، اخلاقی و مشاوره به دانشجویان	تقویت روحیه علمی دانشجویان، توانایی اساتید در مشاوره‌دادن به دانشجویان

طبقه اصلی: شرایط علی		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز (اولیه)
برنامه درسی	بازنگری و روزآمدسازی برنامه درسی	اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها با توجه به علوم جدید، به‌روزرسانی برنامه درسی براساس نیازهای بازار با رویکرد میدانی
	اهمیت تعهد و تخصص و به‌روز بودن طراحان برنامه درسی	استفاده از کارشناسان خبره برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی، به‌روز بودن متخصصان برنامه درسی، سلیقه‌ای عمل‌نکردن طراحان و برنامه‌ریزان درسی
	بهبود کارایی و انعطاف برنامه درسی و محتوای آموزشی	بازتعریف دروس دانشگاهی از منظر کاربرد، کارآفرینی و مهارت‌افزایی، تنظیم محتوای درسی براساس نیازهای آموزشی، کاربردی کردن و افزایش جنبه‌های عملی محتوای آموزشی از طریق ارتباط با بازار کار، بازتاب دقیق جنبه‌های عملی و کاربردی در برنامه درسی، لزوم تمرکز برنامه درسی بر مهارت‌ها، لزوم ارتباط برنامه‌ریزان با ذی‌نفعان دانشگاه
	تحول و بومی‌سازی برنامه درسی متناسب با فرهنگ و شرایط کشور	توجه به تنوع و فرهنگ جامعه در برنامه درسی، انعطاف و انطباق‌پذیری با شرایط محیطی، بین‌المللی کردن برنامه درسی، تعامل علم و فناوری با سایر کشورها و نهادینه‌سازی روش‌های قابلیت‌های عمومی در برنامه درسی در نظر گرفتن اولویت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی، سازوکار کسب و کارها در برنامه درسی، بومی‌سازی برنامه درسی براساس امکانات و شرایط جغرافیایی
عوامل آموزشی	برنامه‌ریزی و جهت‌گیری توسعه‌ای آموزشی	هماهنگی آموزش‌ها با اصول و تحولات روز دنیا، تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علائق و شرایط شخصی، توسعه آموزش‌های مهارتی مبتنی بر خلاقیت، برگزاری دوره‌های مهارتی از طریق شبکه‌های ارتباطی آموزشی،
	ارائه دروس اختیاری تقاضامحور، بومی‌سازی رشته‌ها و آموزش‌ها متناسب با فرهنگ	برنامه‌ریزی و تناسب آموزش‌های درسی با نیازهای بازار کار، برنامه‌ریزی برای اضافه‌شدن واحدهای کارآفرینی در همه رشته‌ها، ضرورت وجود آزادی در انتخاب واحدهای درسی به‌ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی، بومی‌سازی رشته‌ها و آموزش‌ها با توجه به شرایط جغرافیایی و فرهنگی

(ب) بستر (شرایط زمینه‌ای)

در این پژوهش بستر شامل هشت طبقه اصلی سیاست‌های آموزش عالی، فلسفه دانشگاه، عوامل سازمانی و فراسازمانی، سیاست‌های دولت، عوامل سیاسی و اقتصادی و قوانین و مقررات است. در ادامه، توضیحاتی پیرامون هر کدام ارائه می‌شود:

۱- سیاست‌های آموزش عالی:

کدهای باز مربوط به طبقه اصلی سیاست‌های آموزش عالی در شش طبقه از مفاهیم دسته‌بندی شدند. از جمله سیاست‌های آموزش عالی که باید برای کاهش بیکاری دانش‌آموختگان به آن توجه کند، تقاضا محور نظام آموزش عالی است. یکی از صاحب‌نظران در این خصوص چنین ابراز داشت: «نظام آموزش عالی باید تقاضامحور باشد؛ یعنی در ازای تحویل دانش‌آموخته یا محصولات پژوهشی مشتری روشنی داشته باشد. وجود مشتری برای محصولات دانشگاه

باعث زیاد شدن کیفیت کار دانشگاه میشه و مؤسسات آموزش عالی رو مجبور به رقابت می‌کنه».

۲- فلسفه دانشگاه:

کدهای باز در طبقه فرعی فلسفه دانشگاه در دو طبقه از مفاهیم دسته‌بندی شدند. تأسیس دانشگاه‌ها برای مرتفع کردن مشکلات جامعه است؛ اما باید پذیرفت که دانشگاه در محیطی فعالیت می‌کند که نیروهای فراوانی عملکرد دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظر یکی از صاحب‌نظران در این خصوص چنین بود:

«دانشگاه وظیفه داره، با آموزش‌های درست و اصولی دانش‌آموخته‌هایی تربیت کنه که توانایی‌های لازم رو برای حضور در اجتماع و کسب و کار داشته باشن؛ اما به این معنی نیست که ایجاد شغل فقط وظیفه دانشگاهه. دانشگاه هم مثل خیلی از سازمان‌های دیگه در محیطی بزرگ فعالیت می‌کنه و عملکردش تحت تأثیر عوامل محیطی و فشارهای ناشی از این مسائل قرار می‌گیره [متأثر بودن آموزش عالی از عوامل محیطی و فشارهای بازار]. در یک کلام باید بدونیم که مسئله اشتغال دانش‌آموختگان یک مسئله فرادانشگاهی [فرادانشگاهی بودن مسئله اشتغال]».

۳- عوامل سازمانی و فراسازمانی:

از دیگر عوامل موجود در بستر حاکم، سازمانی و فراسازمانی است. کدهای باز در این طبقه در دو طبقه از مفاهیم با عناوین برقراری ارتباط نظام‌مند و پایدار بین بدنه‌های علمی و مدیریت و تشکیل مؤسسات دارای راهبری بهتر، پاسخ‌گوتر و مسئول‌تر قرار گرفتند. برای افزایش عملکرد نظام آموزش عالی و تصمیم‌های بهینه بهتر است، ارتباط پایداری بین بدنه‌های علمی و مدیریتی برقرار شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین بیان کرد:

«از اونجایی که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بر مبنای مصوبات هیئت امنا اداره میشن، لازمه که مدیران آموزش عالی نسبت به این ضوابط و مقررات آشنایی و اشراف کامل داشته باشن. در دانشگاه با افرادی برجسته و نخبه سروکار داریم. پس با مشارکت بدنه علمی دانشگاه در تصمیم‌گیری‌ها و جلب نظر افراد، برگزاری جلسات و دیدار و گفت‌وگوها با اعضای هیئت علمی میشه بهتر تصمیم‌گیری کرد».

۴- سیاست‌های دولت:

کدهای باز در این قسمت نیز در چهار طبقه از مفاهیم قرار گرفتند. در خصوص سیاست دولت برای افزایش اختیارات و استقلال دانشگاه‌ها یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان کرده است:

«دولت باید استقلال و سطح اختیارات دانشگاه رو افزایش [افزایش استقلال و سطح اختیارات دانشگاه] بده و از این طریق باعث افزایش پاسخ‌گویی به رقابت و مسئولیت‌پذیری بشه. یعنی دانشگاه‌ها در جذب منابع مالی، کسب درآمد، گزینش و استخدام هیئت علمی و دانشجو، تصمیم‌گیری و ... آزادی و اختیار داشته باشه. البته مسئله استقلال دانشگاه به این منظور نیست که دولت به طور کل حمایتش رو در جهت توسعه دانشگاه سلب کنه. در واقع، به این معنیه که دولت با افزایش سطح اختیارات دانشگاه‌ها باعث تقویت سیاست‌گذاری دانشگاه و کیفیت عملکرد و میزان پاسخ‌گویی نظام آموزش عالی بشه».

۵- عوامل سیاسی:

عوامل سیاسی از دیگر عوامل مربوط به بستر در مدل ارائه‌شده هستند. در این خصوص طبقات مفاهیم شامل لزوم توسعه یافتگی سیاسی، افزایش ثبات داخلی و سیاسی و روابطی بدون تنش حائز اهمیت فراوانی هستند.

۶- عوامل مدیریتی:

یکی دیگر از عوامل مربوط به بستر در مدل، مدیریتی است. درخصوص عوامل مدیریتی شش طبقه از مفاهیم حاصل از دسته‌بندی کدهای باز شناسایی شد. نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان درخصوص طراحی فضای آموزشی چنین بود: «به خاطر اینکه فضا و محیطی که آموزش در اون انجام میشه، تأثیر زیادی توی یادگیری داره، باید دقت زیادی در طراحی و ساخت این فضاها انجام بشه [طراحی فضای آموزشی]. یکی از اصول مهم برای طراحی فضاهای آموزشی و پژوهشی علاوه بر جنسیت افراد استفاده‌کننده و نوع استفاده، اینه که باید به مسائل فرهنگی و تمدن مناسب با اجتماع و محیط توجه کرد [در نظر گرفتن فرهنگ و وضعیت بومی در طراحی]».

منابع مالی و تأمین اعتبارات، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام آموزش عالی است. درخصوص تنوع‌بخشیدن به منابع مالی و افزایش بودجه یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود:

«امروزه در سراسر جهان و به‌خصوص کشور خودمون شاهد رشد کمی دانشگاه‌ها هستیم. با رشد تقاضا برای آموزش انتظارات از دانشگاه هم برای رفع نیازهای جامعه بیشتر شده. هزینه‌های مربوط به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه زیاد شده؛ در نتیجه باید منابع مالی لازم برای تأمین مالی دانشگاه افزایش و تنوع داده بشه [افزایش و تنوع‌بخشیدن به منابع تأمین مالی]».

۷- قوانین و مقررات:

در طبقه اصلی قوانین و مقررات سه طبقه از مفاهیم وجود دارد. درخصوص قوانین و مقررات یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه بیان کرد:

«قوانین و مقررات در نظام آموزش عالی باید در راستای پیشبرد اهداف این نظام باشه، نه در مقابلش. قوانین و مقررات باید شفاف باشه [شفافیت قوانین و مقررات] و بین مبنای فکری و مقررات در عمل نوعی سازگاری وجود داشته باشه [سازگاری مبنای فکری و مقررات در عمل]».

۸- عوامل اقتصادی:

کدهای باز مربوط به عوامل اقتصادی در دو طبقه از مفاهیم دسته‌بندی شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درباره شرایط اقتصادی معتقد بود: «نظام اقتصادی کشور باید تولیدگرا و توسعه‌گرا باشه و باید این نگرش فکری در تمام اجزای جامعه حاکم باشه. وقتی فضا، فضای توسعه و تولید میشه، میشه گفت که پیشرفت‌ها امری تصادفی نیستن».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان درخصوص ظهور اقتصاد دانش‌محور چنین اظهار داشت: «ساختار اقتصادی هر کشوری عامل مهمی در ایجاد شغل محسوب میشه. وقتی تولیدات صنعتی کشوری دچار تحول میشه، سلیقه‌های مصرف‌کننده‌ها تغییر پیدا می‌کنه، رقابت جهانی زیاد و اقتصاد به سمت جهانی شدن پیش میره و باعث شکل‌گیری اقتصاد دانش‌محور میشه».

جدول ۲: مراحل چندگانه کدگذاری داده‌ها (بستر)

طبقه اصلی: بستر		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز (اولیه)
سیاست‌های آموزش عالی	افزایش توسعه کیفی دانشگاه‌ها	ضرورت ایجاد پیوند بین آموزش و پژوهش، توجه به درس‌های عملی و مهارت‌افزایی، ایجاد نشاط علمی و توانمندسازی بدنه علمی و تهیه منشور اخلاقی، هماهنگی بین اهداف و رسالت‌های آموزش عالی، تدوین برنامه‌ها برای پرکردن خلأ آموزش نظری و عملی
	تقاضامحور بودن نظام آموزش عالی	رصد نیازهای جامعه توسط کارگروه‌های تخصصی، تعیین ظرفیت پذیرش در رشته‌های مختلف براساس نیازهای بازار کار
	ارزیابی مستمر برنامه‌ها، فعالیت‌ها و جهت‌گیری دانشگاه	رصد وضعیت اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان و برنامه‌ریزی آموزشی متناسب با آن، وجود سیستم دقیق برای نظارت و ارزشیابی مستمر، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی و بازنگری مداوم محتوا براساس آخرین دستاوردهای علمی هر رشته در جهان
	تدارک زیرساخت‌های لازم برای جنبه‌های علمی و عملی	تعیین شاخص‌های ارزیابی دانشگاه‌ها و اعضای هیئت علمی، توسعه فیزیکی زیرساخت‌ها و فضاهای یادگیری عملی، برخورداری از سیستم اطلاعات مدیریتی قوی (MIS)، ایجاد، انتقال، جذب و بومی‌سازی فناوری
	هدفمند کردن رشته‌های تحصیلی	وجود استانداردهای علمی در پذیرش دانشجویان، لزوم تعریف و تبیین رشته‌های تحصیلی در بدو ورود دانشجویان، ایجاد معیارهای استاندارد برای مشخص کردن توانمندی دانشجویان
فلسفه دانشگاه	عدم فعالیت دانشگاه در خلأ	متأثر بودن آموزش عالی از فشارهای بازار و نیروهای محیطی
	تعیین رسالت‌ها و مأموریت‌های دانشگاه و مرجعیت علمی آن	فردان‌نگاهی بودن مسئله اشتغال دانش‌آموختگان، چند بعدی بودن آموزش عالی
عوامل سازمانی و فراسازمانی	ارتباط نظام‌مند و پایدار بین بدنه‌های علمی و مدیریتی	فراهم کردن امکان مشارکت اعضا، بدنه‌های هیئت علمی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی
	تشکیل مؤسسات دارای راهبری بهتر، پاسخ‌گو تر و مسئول‌تر	ضرورت وجود ساختارها یا نهادی تعریف شده برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری همکاری بخش خصوصی با دانشگاه برای ارائه آموزش‌های تکمیلی و ضمن خدمت
سیاست‌های دولت	افزایش استقلال و سطح اختیارات دانشگاه‌ها	لزوم استقلال اصلاحات و نظام آموزش عالی از سیاست‌های کلان، افزایش اختیارات دانشگاه‌ها در حوزه‌های مربوطه (استاد، دانشجو، برنامه درسی، استانداردهای علمی و ...)
	افزایش کارایی و ارتباطات کارآمد و تخصیص بهینه منابع و اعتبارات	سیاست‌ها در زمینه نحوه مشارکت فعالان و نقش آفرینان، لزوم کاهش بروکراسی‌های موجود در ایران، لزوم روابط سازمان‌یافته بین نظام علمی و سایر نظام‌های کشور، ایجاد شرایط و تسهیلات برای جذب متخصصان دانشگاهی، نقش تسهیل‌گر دولت در زمینه تخصیص اعتبار و تضمین کیفیت و پشتیبانی
	بهبود تعامل و ارتباط میان دولت، کارگر و کارفرما	تقویت فضای تفاهم، گفت‌وگو بین دولت، کارگر و کارفرما

طبقه اصلی: بستر		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز (اولیه)
سیاست‌های دولت	نظارت بر اجرای دقیق برنامه‌ها و بسترسازی برای تولید و کارآفرینی	برنامه‌ریزی دقیق برای جلوگیری از اجرای سلیقه‌ای و سوءاستفاده مجریان، اهمیت تعیین مأموریت‌های وزارت علوم، ایجاد بستر و فضای مناسب برای تولید و رشد اقتصادی، گسترش کارآفرینی از طریق پایدارسازی سیاست‌های کلان اقتصادی و سیاسی
	قانون‌مندی و رعایت عدالت در ارائه تسهیلات	لزوم حذف رابطه‌گرایی در اعطای تسهیلات و رعایت عدالت، اعمال نظرات علمی و عادلانه کارشناسان بانکی
	بهبود خدمات و حمایت بانکی مناسب	کاهش فرآیند بررسی طرح‌ها و دریافت وام و اعتبارات بانکی، ارتقای سیستم نظارت و بازرسی دقیق بر عملکرد خرده‌نظام‌های بانکی
عوامل سیاسی	لزوم توسعه یافتگی سیاسی	توانمندی در سیاست خارجی، اعتقاد و تعهد مجریان به برنامه‌های دولت، سیاست تمرکززدایی و تکثیرگرایی، اراده سیاسی دولت در اجرای برنامه‌ها
	افزایش ثبات داخلی و سیاسی و روابطی بدون تنش	ثبات داخلی و دارا بودن محیطی آرام و بدون تلاطم، وجود ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی در قوانین، امنیت و ثبات سیاسی حاکم بر جامعه، داشتن روابط بدون تنش در سطح جهانی
عوامل آموزشی	برنامه‌ریزی و جهت‌گیری توسعه‌ای آموزشی	هماهنگی آموزش‌ها با اصول و تحولات روز دنیا، تناسب روش‌های آموزشی مورد استفاده با علائق و شرایط شخصی، توسعه آموزش‌های مهارتی مبتنی بر خلاقیت، برگزاری دوره‌های مهارتی از طریق شبکه‌های ارتباطی آموزشی
	ارائه درس اختیاری تقاضامحور، بومی‌سازی رشته‌ها و آموزش‌ها متناسب با فرهنگ	برنامه‌ریزی و تناسب آموزش‌های درسی با نیازهای بازار کار، برنامه‌ریزی برای اضافه‌شدن واحدهای کارآفرینی در همه رشته‌ها، ضرورت وجود آزادی در انتخاب واحدهای درسی به‌ویژه در سطح تحصیلات تکمیلی، بومی‌سازی رشته‌ها و آموزش‌ها با توجه به شرایط جغرافیایی و فرهنگی
قوانین و مقررات	افزایش وضوح و شفافیت و تسهیل قوانین و مقررات	شفافیت حدود وظایف فعالان و اثرگذاران آموزش عالی، سازگاری مبانی فکری و مقررات در عمل، تسهیل قوانین و مقررات اقتصادی، بازار کار، روابط بین کارگر و کارفرما، روان‌سازی قوانین و مقررات زائد به وسیله فعالان و هیئت‌امنا
	تدوین قوانین مربوط به اصل استقلال، مالکیت فکری و ارتقا جنبه‌های عملی برنامه درسی	تدوین قوانین مربوط به مالکیت فکری، تدوین و رعایت اصل استقلال دانشگاه در قوانین، وضع قوانین و مقررات داخلی برای ارتقا اجرای جنبه‌های عملی برنامه درسی، گزینش و ارتقا اعضای هیئت‌علمی براساس توان علمی و شخصیتی
	حذف روابط و جایگزینی ضوابط در قوانین و مقررات	اجتناب از تأثیر معیارهای سیاسی و عقیدتی در استخدام اعضای هیئت‌علمی، تدوین قوانینی با رویکرد غیر سیاسی در اداره دانشگاه
عوامل اقتصادی	وجود انعطاف، تعادل، ثبات و امنیت شغلی در بازار	تعادل و توازن جنسیتی در بازار کار، داشتن فرصت برابر برای انجام کارها، وجود امنیت و اطمینان شغلی در بازار کار، افزایش نرخ مشارکت در بازار کار
	بهبود نظام اطلاعات و تسهیل شرایط بازار	پایدارسازی کسب و کارهای کوچک و متوسط، توجه به ظرفیت نامحدود بازار کار، کامل‌بودن جریان اطلاعات در بازار کار
	زیادبودن رشد و توسعه اقتصادی	دانش‌بنیان و دانش‌محور بودن اقتصاد، تولیدی‌بودن صنایع کشور، تولیدی و توسعه‌گرا بودن اقتصاد، توانمندی سیاست‌های اقتصادی کشور در بازار کار بین‌الملل

طبقه اصلی: بستر		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز (اولیه)
	بسترسازی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی توسعه‌گرایانه	استفاده از تکنولوژی‌های دانش‌بر، حمایت دولت از دستاوردهای داخلی، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها، افزایش خصوصی‌سازی‌ها، افزایش میزان اعتماد مردم به بازار پول و سرمایه
عوامل مدیریتی	طراحی بهینه فضای آموزشی و بهبود کیفی الگوی آموزش از طریق توجه به نیازهای بازار و ذی‌نفعان دانشگاه	برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی بهینه از فضای آموزشی، طراحی فضاهای متناسب با ویژگی‌های بومی تناسب الگوی آموزش عالی با نیاز بازار کار، شناسایی نیازهای جدید آموزش عالی در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و جهانی، به کارگیری افراد براساس شایسته‌سالاری و صلاحیت، توجه به نیازهای ذی‌نفعان درونی دانشگاه
	برنامه‌ریزی مشارکتی برای ارتقای ظرفیت اجرایی	ارتقای ظرفیت اجرایی از طریق بسترسازی مدیریتی برای همکاری حوزه‌های اصلی دانشگاه، اهمیت تعامل و مشارکت مدیریت دانشگاه با برنامه‌ریزان، حضور و مشارکت ذی‌نفعان به خصوص بدنه علمی در تصمیم‌گیری‌های کلان
	تأمین اعتبارات و تنوع‌بخشیدن به منابع مالی	کسب منابع و اعتبارات بیشتر از منابع دولتی برای افزایش پاسخ‌گویی به طرح‌های عمرانی، تنوع‌بخشیدن به منابع مالی، اختصاص بودجه کافی برای عملی کردن رشته‌ها و مهارت‌افزایی، ایجاد زمینه و بستر مناسب برای حمایت‌ها و فعالیت‌های مالی و اعتباری رفاه
	لزوم توجه به تخصص، تجارب و پیشینه مدیریتی	تسلط مدیران وزارت علوم و تحقیقات بر مبانی نظری آموزش عالی، لزوم آشنایی فعالان آموزش عالی با الگوهای آموزشی خاص هر دانشگاه، لزوم برخورداری مدیران از تفکر سیستمی، مدیریتی و توسعه‌ای، لزوم برخورداری مدیران از فکر و سواد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی
	نظارت دقیق بر عملکرد سیستم آموزشی	انسجام و هماهنگی میان نهادهای بالادستی، نظارتی و تأمین‌کننده منابع دانشگاه، تقویت نظارت و ارزشیابی بیرونی و درونی برنامه‌ها، ایجاد سیستم نظارتی دقیق برای بررسی عملکرد آموزش عالی، انسجام و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، هم‌خوانی و انسجام میان عمل، قانون و عملکرد، ایجاد پایگاه اطلاعات آموزش عالی، طراحی راهبردهایی برای کنترل ورودی و خروجی نظام آموزش عالی و تقاضای اجتماعی
	افزایش انسجام و هماهنگی و بهبود کارکردهای آموزش عالی	انسجام در تصمیم‌گیری‌ها بین نظام آموزش عالی با سایر بخش‌ها، عضویت در مجامع حرفه‌ای بنگاه‌های اقتصادی، تناسب ساختار و راهبری دانشگاه با انتظارات دانشگاهیان، اصلاح کارکردهای آموزشی، پژوهشی و خدماتی، یکپارچه‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی، آموزشی و پژوهشی، تدوین استاندارد برای نظارت بر عملکرد و هماهنگی و انسجام در تصمیم‌گیری‌ها

پ) پدیده محوری

در این پژوهش با توجه به فرآیند اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی و ویژگی‌های بررسی‌شده، مهارت‌ها (فردی، آکادمیک و کسب‌وکار) به عنوان طبقه محوری انتخاب شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در خصوص مهارت‌های فردی این‌گونه بیان کرده است:

«مهارت‌های فردی هم مانند بقیه مهارت‌ها اکتسابی هستند. به دست آوردن این مهارت‌ها، انگیزه و اعتمادبه‌نفس رو بالا می‌بره. یادگیری مهارت‌های فردی هم در زندگی شخصی و هم در زندگی شغلی کاربرد زیادی دارن و می‌تونن باعث موفقیت در همه مراحل زندگی بشن. مهارت‌های فردی به نوعی باعث بهبود مهارت‌های دیگه و رشد و توسعه اونها میشن.»

جدول ۳: مراحل چندگانه کدگذاری داده‌ها (پدیده محوری)

طبقه اصلی: پدیده محوری		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز
فردی	مهارت‌های توسعه فردی	تعیین و تنظیم چشم‌اندازهای فردی، لزوم سازگاری و انطباق‌پذیری، خودارزیابی، صبر و تحمل و کار در شرایط تحت فشار
	مهارت‌های آکادمیک	قابلیت‌های تخصصی مرتبط با رشته‌ها، توانایی تحقیق، خواندن و نوشتن، تجزیه و تحلیل و استفاده از تکنولوژی
	مهارت‌های کسب و کار	مهارت‌های ارتباطی، کارگروهی، برنامه‌ریزی، محاسباتی و حل مسئله، مهارت‌های مدیریتی و اجرایی

ج) شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر در این پژوهش شامل عوامل اجتماعی فرهنگی است. کدهای باز در این بخش در سه طبقه از مفاهیم قرار گرفتند.

جدول ۴: مراحل چندگانه کدگذاری داده‌ها (شرایط مداخله‌گر)

طبقه اصلی: شرایط مداخله‌گر		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز
عوامل اجتماعی فرهنگی	ایجاد و تقویت فرهنگ تخصصی در دانشگاه، فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی	نهادینه کردن مدیریت دانش، تقویت روحیه، اخلاق و پرسش‌گری، تقویت برخوردهای نقادانه و پرسش‌گرانه، نهادینه کردن پژوهش محوری و نوآوری در افراد و سازمان‌ها، شایسته‌سالاری در علم و فناوری، برنامه‌ریزی برای شناسایی علائق و استعدادهای دانشجویان، برخورداری از تفکر و نگرش سرمایه‌ای به رشته‌های دانشگاهی، از بین بردن فرهنگ کارمند پروری، نهادینه کردن فرهنگ خوداشتغالی و کارآفرینی، تقویت و آگاهی دانشجویان و جامعه برای خوداشتغالی
	حمایت از نخبگان و ایده‌های نوآورانه و تقویت شبکه‌های ارتباطی دانشجویان	لزوم حمایت از نخبگان، حمایت از طرح‌ها و راهکارهای ابداعی دانشجویان درباره رونق اشتغال، تقویت روابط دانشجویان با افراد فراهم‌کننده خواسته شغلی، رشد و توسعه شخصی از طریق برخورداری از شبکه‌های ارتباط غیر رسمی و روابط اجتماعی قوی
فرهنگی	توسعه فرهنگ ارزشیابی و توجه به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی استاد و دانشجو	توجه به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی افراد و اساتید در زمینه اشتغال، توسعه فرهنگ ارزشیابی مانند شفافیت، مسئولیت‌پذیری، انتقادپذیری و پاسخ‌گویی

د) راهبردها

راهبردها در این پژوهش شامل ارتقای وضعیت آموزشی، بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه، ارتقای جایگاه بین‌المللی، بهبود فعالیت‌های پژوهشی و ارتقای سطح تعاملات است.

۱- ارتقای وضعیت آموزشی:

کدهای باز در این بخش در سه طبقه از مفاهیم دسته‌بندی شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درخصوص حضور دانشجویان در میدان کار و برگزاری بازدیدهای هدفمند چنین بیان کرده است: «نیازه که دانشجویها وارد میدان عمل بشن تا ذهنشون تحریک بشه [حضور دانشجویان در میدان کار]. این طوری با چالش‌هایی روبه‌رو میشن که می‌تونن توی کلاس‌های درس دنبال جوابشون باشن که به این پدیده وارونگی در برنامه درسی گفته میشه».

۲- بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه:

کدهای باز در این قسمت نیز در دو طبقه از مفاهیم قرار گرفتند. یکی از راه‌های افزایش کیفیت در نظام آموزش عالی استفاده از نظرات کارفرماها و مدیران موفق در تدوین برنامه درسی است. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان کرده است:

«مدیران صنایع و کارفرماها از جمله کسانی هستن که با اینکه میشه از نظراتشون در تدوین برنامه درسی استفاده مطلوبی کرد، کمتر مورد توجه قرار گرفتن. یکی از اهداف آموزش عالی اینه که دانشجویی تربیت کنه که آمادگی اشتغال داشته باشه. از طرفی، متقاضی و مشتری دانش‌آموخته‌ها در آینده همین کارفرماها و مدیران هستن و استفاده از نظرات و خواسته‌های اونا در تدوین برنامه درسی بسیار اثرگذاره [استفاده از نظرات مدیران و کارفرمایان در تدوین برنامه درسی] می‌تونه به افزایش پاسخ‌گویی دانشگاه به نیازهای بازار کار منجر بشه».

۳- ارتقای جایگاه بین‌المللی:

برای ارتقای جایگاه بین‌المللی باید بستر لازم برای تعامل فعال با سایر کشورها در زمینه آموزش، پژوهش و فناوری ایجاد شود. درخصوص افزایش همکاری دانشگاه با مراکز علمی کشورها یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بود: «یکی از راه‌هایی که باعث رسیدن به رشد و توسعه دانش و علوم مختلف برای اساتید و دانشجویها میشه، افزایش میزان همکاری دانشگاه با مراکز علمی معتبر سایر کشورهاست».

۴- بهبود فعالیت‌های پژوهشی:

کدهای باز در این قسمت در طبقه مفاهیم با عنوان کاربردی و تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی قرار گرفتند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درخصوص تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی چنین بیان کرد:

«در حال حاضر موضوع تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی از دغدغه‌های وزارت علوم به حساب میاد. دانشگاه‌ها باید بتونن از طریق تجاری‌کردن پژوهش‌های نوآورانه خودشون، هزینه‌های مالی‌شون رو تأمین کنن. فراهم کردن بستری برای تجاری‌سازی دستاوردهای دانشگاهی و عرضه اون به بازار برای دانشگاه ارزش اقتصادی داره و از طریق تأثیر در کیفیت آموزش عالی باعث رشد و رفاه جامعه میشه».

۵- ارتقای سطح تعاملات:

در این بخش، کدهای باز در دو طبقه از مفاهیم دسته‌بندی شدند. یکی از مصاحبه‌شوندگان درخصوص فراهم آوردن زمینه‌ای برای شبکه‌سازی دانشجویان با جامعه کارآفرینان این‌گونه اظهار داشت:

«دانشگاه به لحاظ موقعیت و ارتباط‌هایی که با کارفرماها و افراد کارآفرین داره، باید با دعوت از این افراد برای حضور در دانشگاه دانشجویها رو به نوعی به این افراد وصل کنه [فراهم کردن زمینه ارتباط با کارآفرینان و کارفرماها].

وقتی دانشجویها با این افراد تعامل داشته باشند، خواه ناخواه می‌تونن از فرصت‌های شغلی و خواسته و نیاز متقابل بازار از دانش آموخته اطلاعاتی به دست بیارن. از طرفی، می‌تونه باعث ایجاد علاقه و انگیزه برای کارآفرینی بشه».

جدول ۵: مراحل چندگانه کدگذاری داده‌ها (راهبردها)

طبقه اصلی: راهبردها		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز
ارتقای وضعیت	بسترسازی مناسب برای اجرای برنامه‌های آموزش عملی و تجربه‌محور	حضور دانشجویان در میدان کار برای تحریک ذهن و دریافت چالش‌های علمی، استفاده از تکنولوژی و هوشمندسازی کلاس‌های درس برای شبیه‌سازی کسب‌وکار، برگزاری بازدیدهای هدفمند برای دانشجویان
بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه	استفاده از روش‌های تدریس تعاملی و مبتنی بر حل مسئله به‌جای روش توصیفی، استفاده از رویکردهای ... SPL, LPL, به‌جای رویکرد سخنرانی، بررسی دوره‌های مشابه و موفق دارای قابلیت انطباق در نظام‌های آموزشی دیگر کشورها	اخذ مستمر نظرات صاحب‌نظران در مورد برنامه درسی، شناسایی و جذب نخبگان و دانشمندان برای جذب هیئت‌علمی، مشارکت کارفرمایان در تدوین، اجرا و بازنگری برنامه درسی، حضور مدیران متخصص و مرتبط در تدوین محتوا، ارتقای کیفی دوره‌های کارورزی، توجه به آموزش‌های میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای
ارتقای جایگاه بین‌المللی دانش‌گاه	افزایش کیفیت آموزش، برنامه درسی و دوره‌های کارورزی	آشناسازی دانشجویان با فرصت‌های شغلی از طریق گروه‌های آموزشی، راه‌اندازی کلپ‌ها و گروه‌های شغلی در دانشگاه به‌منظور افزایش مهارت کاربری، تشکیل بانک اطلاعات شغلی در سیستم آموزش عالی، دعوت از صاحبان کسب‌وکارهای موفق در زمینه رشته تحصیلی برای سخنرانی و تدریس
بهبود فعالیت‌های پژوهشی	افزایش اطلاع‌رسانی و آشنایی دانشجویها با فرصت‌های شغلی، نرخ اشتغال و بیکاری رشته‌ها	افزایش میزان مأموریت‌های علمی و فرصت‌های مطالعاتی اساتید و دانشجویان، رشد تبادلات استاد و دانشجو با سایر کشورها، اجرای پروژه‌ها و دوره‌های آموزشی مشترک با مراکز علمی خارج از کشور، حمایت از برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی و همایش‌های علمی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
ارتقای سطح تعاملات	بهبود ارتباطات فردی	جهت‌دهی پایان‌نامه‌ها به سمت تحقیقات کاربردی و میدانی با نگاه به نیاز بازار کار، توسعه قطب‌ها علمی - پژوهشی برای پژوهش‌های گروهی هدفمند، تعریف و پایه‌گذاری پژوهش‌ها در قالب نیاز بازار و کارهای هدایت‌شده صنایع، حمایت از کارهای پژوهشی با محوریت دانشگاه و بازار کار
		فراهم‌کردن زمینه‌ای برای شبکه‌سازی دانشجویان با جامعه کارآفرینان، ارتقای روحیه کار گروهی و وجود فعالیت‌های گروهی در کلاس درس

(۹) پیامدها

پیامدهای پژوهش در سه طبقه فرعی سطح فرد، سازمان، و اجتماعی و کلان دسته‌بندی شدند.

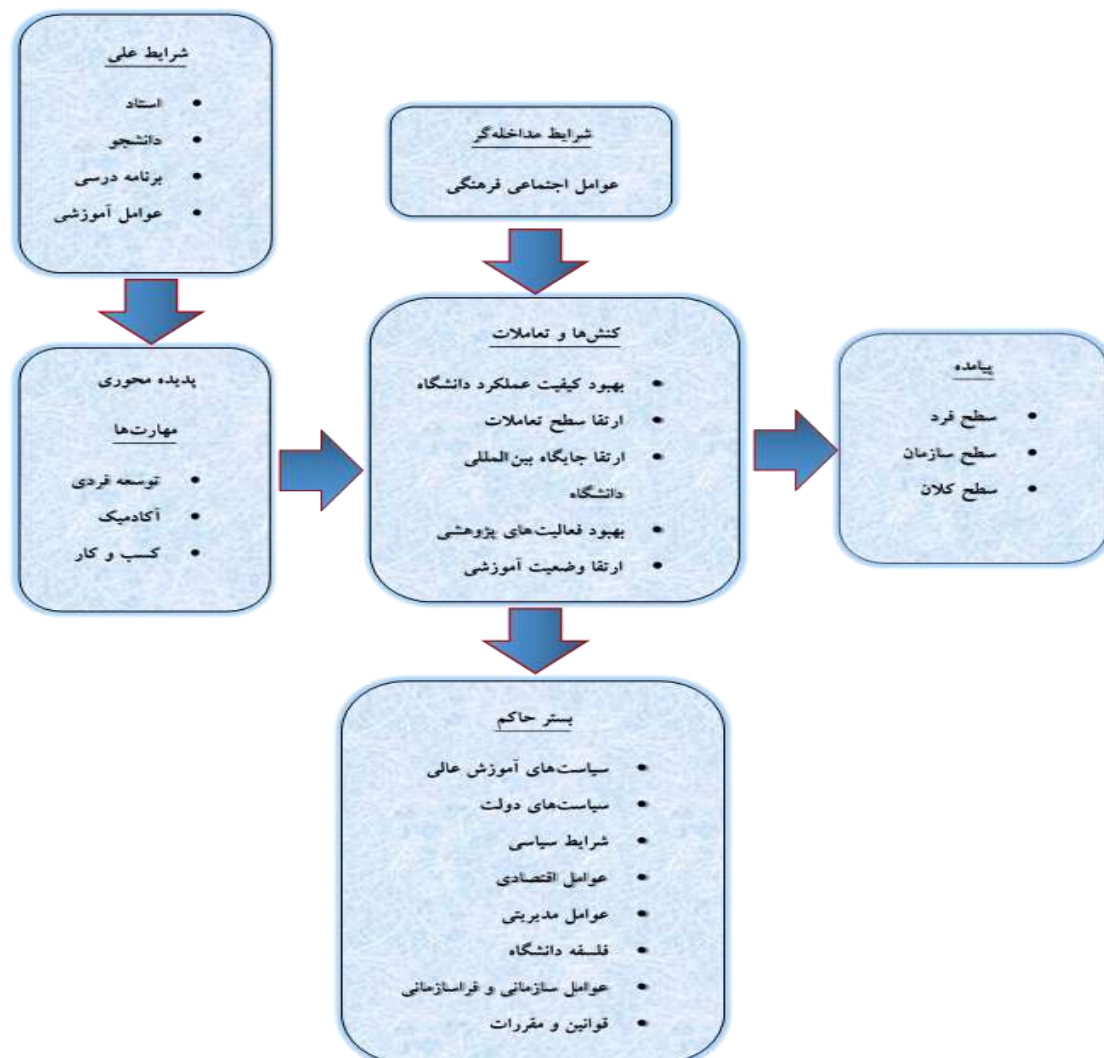
جدول ۶: مراحل چندگانه کدگذاری داده‌ها (پیامدها)

طبقه اصلی: پیامدها		
طبقه فرعی	مفاهیم	کدهای باز
سطح فرد	رشد و شکوفایی فردی	افزایش میزان خبرگی و تخصص فردی افزایش میزان نشاط و انگیزه اساتید و دانشجویان افزایش منزلت اجتماعی افزایش میزان مهارت‌های کاری و فراشناختی افزایش تعداد دانش‌آموختگان کارآمد در جامعه
سطح سازمان	افزایش بهره‌وری منابع انسانی	بهبود عملکرد و افزایش کارایی و اثربخشی افزایش کیفیت آموزش عالی و کیفیت نیروی کار دانش‌آموخته
سطح اجتماعی	استفاده بهینه از سرمایه انسانی و مالی	کاهش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی تأمین نیروی کار لازم از میان دانش‌آموختگان افزایش میزان خوداتکایی
کلان اجتماعی و کلان	توسعه پایداری اقتصادی	توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی افزایش تحرک و عدالت اجتماعی
	افزایش پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضاهای جامعه	افزایش پاسخ‌گویی به دولت، تقاضای اقتصادی، اجتماعی، میزان انتظارات اجتماعی افزایش میزان اعتماد مردم به آموزش عالی و ادامه تحصیل

نتایج کدگذاری انتخابی

این بخش از تحلیل الگوی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی که مرحله اصلی پژوهش است، براساس نتایج مراحل کدگذاری باز و محوری استخراج شد. پدیده محوری به صورت نظام‌مند با دیگر طبقه‌ها ارتباط برقرار کرد و به این ترتیب الگوی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی ترسیم شد. پس از گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، مهارت‌ها (فردی، آکادمیک و کسب‌وکار) به عنوان پدیده محوری انتخاب شد. در قدم اول، علت ایجاد مهارت‌ها مربوط به نقش استاد، دانشجو، برنامه درسی و عوامل آموزشی است. مهارت‌ها در بستری از شرایط شامل سیاست‌های آموزش عالی، سیاست‌های دولت، عوامل سازمانی و فراسازمانی، عوامل مدیریتی، فلسفه دانشگاه، شرایط سیاسی و اقتصادی، قوانین و مقررات شکل می‌گیرند. زمینه‌های موجود از جمله اجتماعی - فرهنگی به ایجاد راهبردهای اشتغال‌پذیری کمک می‌کنند تا آثار و نتایج اشتغال‌پذیری در شرایط مناسب عملیاتی شوند. در این مرحله از طریق بحث و بررسی دقیق نتایج

حاصل از کدگذاری‌های باز و محوری، هم‌اندیشی با متخصصان و صاحب‌نظران درباره پژوهش و بررسی‌های پی در پی در خصوص مفاهیم و طبقه‌های فرعی و اصلی، الگوی اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی به صورت شکل (۱) استخراج شد.



شکل ۱: مدل اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی (مدل نهایی)

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که کیایی‌جمالی و همکاران (۱۳۹۷) بیان کرده‌اند، یکی از زیرساخت‌های نظام آموزشی هر کشوری، نظام آموزش عالی است که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در بخش‌های مختلف، پژوهش و عرضه خدمات تخصصی در حیطه‌های مختلف علم و فناوری جامعه است. آموزش عالی در جهان با خدمات فزاینده‌ای در بازار و خصوصی‌سازی به‌منظور پاسخگویی به تقاضای فزاینده جامعه برای آموزش رشد چشمگیری داشته است (لاساکوا^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). نقش اصلی آموزش عالی، تبدیل دانش‌آموختگان به یادگیرندگان همیشگی، انتقادی و بازتابنده از طریق بهبود آشنایی، مهارت‌ها، رویکردها و توانایی‌های آنهاست (تانگ^۲، ۲۰۱۹). بنابر گفته موحدی و سامیان (۱۳۹۶) از آنجایی که دانشگاه

1 Lasakova

2 Tang

از مراکز عمده تربیت نیروی انسانی ماهر است و با توجه به افزایش تعداد مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها و به تبع آن افزایش تعداد پذیرفته‌شدگان دانشگاه، یکی از وظایف اصلی دولت‌ها بسترسازی مناسب برای اشتغال فارغ‌التحصیلان در بخش‌های گوناگون است. داده‌های کیفی پژوهش نشان‌دهنده آن بود که عوامل متعددی در شکل‌گیری اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی مؤثر هستند. این عوامل در ادامه، در قالب شرایط علی، پدیده محوری، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها تشریح می‌شود.

شرایط علی:

نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن بود که استاد، دانشجو، برنامه درسی، عوامل آموزشی، مدیریتی و اقتصادی و قوانین و مقررات به‌عنوان شرایط علی بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی اثرگذار است. بنابر گفته‌های دانایی‌فرد و اسلامی (۱۳۹۰) شرایط علی مجموعه‌ای از طبقات است که سبب ایجاد و توسعه پدیده محوری می‌شود. اساتید یکی از مهم‌ترین ارکان آموزش عالی محسوب می‌شوند. اساتید مهم‌ترین عامل در تربیت نیروی انسانی است. تانگ معتقد است که داشتن تجربه میدانی برای اساتید اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا اساتید از طریق حضور در میدان کسب و کار نکات ارزشمندی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهند و آنها را با مسائل دنیای واقعی آشنا و از این طریق فرآیند یادگیری را تسهیل می‌کنند (تانگ، ۲۰۱۹). آکوا و آنتی پارتا^۱ (۲۰۱۴) توسعه مهارت‌های آموزشی و بهبود محتوای دانش و توسعه مهارت‌های اجتماعی و تجربه کسب و کار را از جمله مزیت‌های تجربه میدانی اساتید می‌دانند. نقش فعال دانشجویان برای رسیدن به اشتغال‌پذیری اهمیت زیادی دارد. سو و ژانگ ویژگی‌های شخصیتی شامل (اعتمادبه‌نفس، مسئولیت‌پذیری، توانایی تحمل فشار و مقاومت در برابر ناامیدی را از جمله صلاحیت‌های مربوط به اشتغال‌پذیری می‌دانند (سو و ژانگ^۲، ۲۰۱۵). برخورداری دانشجویان از شبکه روابط اجتماعی باعث فراهم کردن فرصت‌های بی‌شماری به‌خصوص در زمینه پیدا کردن شغل می‌شود. چن معتقد است که شبکه‌های اجتماعی یکی از بسترهای مهم برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان است (چن^۳، ۲۰۱۷).

در کنار عوامل فردی استاد و دانشجو، برنامه درسی یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم برای افزایش کارایی دانشگاه و ابزاری قوی برای پیشبرد اهداف و رسالت‌های دانشگاه است؛ بنابراین باید بازنگری و روزآمدسازی برنامه درسی، بهبود کارایی و انعطاف برنامه درسی و محتوای آموزشی متناسب با فرهنگ و شرایط کشور مورد توجه قرار گیرد. پورآتشی (۱۳۹۷) معتقد است، بازبینی و به‌روزرسانی محتوای درس‌ها از راهکارهای سازگاری دروس دانشگاهی با نیازهای شغلی است. یکی از ایرادهایی که این روزها به برنامه‌های درسی وارد می‌شود، تأکید بیش از حد به مسائل تئوری است. اورنلا و همکاران یکی از مشکلات دانش‌آموختگان را هنگام ورود به بازار کار مرتبط با تئوری‌پرداز بودن دروس و فاقد جنبه عملی بودن دانسته‌اند (اورنلا^۴ و همکاران، ۲۰۱۸)؛ از این رو، به نظر باید جنبه‌های عملی و کاربردی علوم به‌درستی در برنامه درسی منعکس شود. عوامل آموزشی از دیگر عامل مهم اثرگذار در ایجاد مهارت است. پورآتشی (۱۳۹۷) عملکرد نظام آموزشی (نبود تمرکز بر مهارت‌ها و هماهنگی با بازار) را سبب کاهش سطح اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانسته است.

1 Acquah & Anti Partey

2 Su & Zhang

3 Chen

4 Ornellas, Falkner & Stalbrandt

پدیده محوری:

پدیده محوری یکی دیگر از عناصر مدل طراحی شده است. دانایی فرد و اسلامی (۱۳۹۰) طبقه محوری را همان ایده اصلی می‌داند که اساس فرآیند تئوری‌پردازی را شکل می‌دهد. در این پژوهش، با توجه به فرآیند اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی و ویژگی‌های بررسی‌شده، مهارت‌ها (فردی، آکادمیک و کسب‌وکار) به‌عنوان طبقه محوری انتخاب شدند. همان‌گونه که اکبری (۱۳۹۷) بیان می‌کند، رشد و موفقیت در دنیا به مجموعه‌ای از رزشمند از مهارت‌های مختلف مرتبط است. شرفی و عباسپور (۱۳۹۴)، سو و ژانگ (۲۰۱۵)، آلیفرا و راجو^۱ (۲۰۱۹)، وارتون و هوراکس^۲ (۲۰۱۸) و لیزا^۳ و همکاران (۲۰۱۹)، برخورداری از مهارت‌های مختلف را از عوامل مؤثر در اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی معرفی کرده‌اند.

شرایط مداخله‌گر:

ازجمله مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر پس از انجام مصاحبه‌ها در این پژوهش، اجتماعی-فرهنگی گزارش شد. عوامل اجتماعی-فرهنگی شرایطی هستند که راهبردها از آنها متأثر می‌شوند و بنابر گفته‌های دانایی فرد و اسلامی (۱۳۹۰)، سبب تسهیل یا محدود کردن مداخله سایر عوامل می‌شوند. ایجاد و تقویت فرهنگ تخصصی در دانشگاه، فرهنگ کارآفرینی و خوداشتغالی، حمایت از نخبگان، ایده‌های نوآورانه و تقویت شبکه‌های ارتباطی دانشجویان، توسعه فرهنگ ارزشیابی و توجه به مسئولیت‌های اخلاقی و اجتماعی استاد و دانشجو ازجمله مهم‌ترین مسائل مربوط به عوامل اجتماعی-فرهنگی هستند.

بستر:

بستر حاکم یا شرایط زمینه‌ای، یکی دیگر از عناصر مدل طراحی شده است. بنابر گفته‌های دانایی فرد و اسلامی (۱۳۹۰)، این شرایط شامل گروهی از مقوله‌ها و متغیرهای زمینه‌ای است که تشخیص آن از شرایط علی دشوار است و بعضی از مواقع، متغیرهایی را که ارتباط بیشتری دارند، در شرایط علی و متغیرهای با ارتباط کمتر را در شرایط بستر قرار می‌دهند. از نظر خبرگان شرایط زمینه‌ای لازم برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی عبارت‌اند از: سیاست‌های آموزش عالی و دولت، عوامل سازمانی و فرا سازمانی و فلسفه آموزش عالی و عوامل سیاسی. ازجمله سیاست‌های آموزش عالی که برای کاهش بیکاری دانش‌آموختگان باید به آن توجه کند، تقاضامحوری نظام آموزش عالی است. آموزش عالی باید اهداف خود را متناسب با تقاضاهای علمی روزافزون و جدید تعریف کند و همگام با این تحولات به‌دنبال بهبود کیفیت خود باشد. ملکی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) توسعه کیفی را به موازات گسترش کمی ازجمله استراتژی‌های آموزش عالی در عصر جهانی می‌دانند. شاکری و همکاران (۱۳۹۸) معتقد هستند که نیازسنجی براساس نیاز بازار کار از راه‌های تناسب آموزش‌ها با بازار کار است.

سیاست‌های دولت یکی از شرایط زمینه‌ای مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی است. بدون شک دولت با سیاست‌ها و پشتیبانی‌های خود به‌عنوان اصلی‌ترین ذی‌نفع درخصوص عملکرد آموزش عالی باید بستر مناسب را برای فعالیت و بهبود عملکرد آموزش عالی فراهم کند. مزینی (۱۳۹۷) مشکلات تأمین مالی، نبود ثبات در تصمیم‌گیری‌های دولتی و بروکراسی‌های موجود را ازجمله چالش‌های جذب دانش‌آموختگان می‌داند. از دیگر شرایط زمینه‌ای لازم بر

1 Alrifia & Raju

2 Wharton & Horrocks

3 Lisa

اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی، عوامل سازمانی و فراسازمانی است. عوامل سازمانی و فراسازمانی اشاره به مواردی همچون فراهم کردن امکان مشارکت اعضا و بدنه‌های هیئت‌علمی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، وجود ساختارها یا نهادی تعریف شده برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری و همچنین همکاری بخش خصوصی با دانشگاه برای ارائه آموزش‌های تکمیلی، ارتباط نظام‌مند و پایدار بدنه‌های علمی و مدیریتی و مؤسساتی پاسخ‌گوتر و مسئول‌تر است. فلسفه آموزش عالی یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای لازم برای اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی است. به‌طور کلی فلسفه وجودی دانشگاه‌ها آگاهی‌بخشیدن به انسان‌ها به‌خصوص نسل جوان است. با در نظر گرفتن نقش شایان آموزش عالی در هر جامعه باید پذیرفت که آموزش عالی تنها بخشی از یک محیط به‌شدت پویاست. به‌عبارتی، آموزش عالی همانند سایر نهادها متأثر از فشارهای بازار و نیروی محیط پیرامون خود قرار دارد؛ به همین دلیل برای داشتن تحلیلی جامع و همه‌جانبه از عملکرد آموزش عالی ضمن توجه به این مسئله باید به فلسفه وجودی و ماهیت چند بعدی آن نیز تمرکز شود.

عوامل مدیریتی یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای لازم در ایجاد اشتغال‌پذیری است. شاکری و همکاران (۱۳۹۸) معتقد هستند، از طریق مشارکت با ذی‌نفعان می‌توان آموزش‌ها را با بازار متناسب کرد. قوانین و مقررات یکی دیگر از شرایط زمینه‌ای مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی است. نظام آموزش عالی همانند سایر نظام‌ها به‌منظور برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرای صحیح وظایف در راستای اهداف و رسالت و پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه در سطوح مختلف نیازمند افزایش وضوح، شفافیت و تسهیل قوانین و مقررات است. قادری و همکاران (۱۳۹۷) اصلاح قوانین (آموزشی، پژوهشی، جذب اساتید) را از جمله سیاست‌گذاری‌های عمودی مبتنی بر بازار آموزش عالی دانسته‌اند. درخصوص عوامل اقتصادی می‌توان به اهمیت زیاده‌بودن رشد و توسعه اقتصادی، وجود انعطاف، تعادل، ثبات و امنیت شغلی در بازار، بهبود نظام اطلاعات، تسهیل شرایط بازار و بسترسازی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی توسعه‌گرایانه اشاره کرد. ایاکو^۱ و همکاران (۲۰۱۸) محدودیت‌های اقتصادی و نابرابری‌های موجود در توزیع درآمد را از جمله علت‌های کاهش استخدام دانش‌آموختگان می‌دانند.

عوامل سیاسی، یکی دیگر از عوامل مربوط به بستر هستند. در این خصوص موضوعاتی چون لزوم توسعه‌یافتگی سیاسی، افزایش ثبات داخلی و سیاسی و روابطی بدون تنش حائز اهمیت فراوانی هستند. لزوم توسعه‌یافتگی سیاسی به معنای توانمندی در سیاست‌های خارجی، اعتقاد و تعهد مجریان به برنامه‌های دولت و اراده سیاسی دولت در اجرای این برنامه‌ها، در کنار افزایش امنیت و ثبات سیاسی حاکم بر جامعه و داشتن روابطی بدون تنش در سطح جهان از جمله عوامل سیاسی مؤثر بر عملکرد نظام آموزش عالی است. در این خصوص موثقی و کرم‌زادی (۱۳۹۰) چنین بیان کرده‌اند: برای تحقق توسعه در ابعاد مختلف از جمله اقتصادی و اجتماعی باید محیط داخلی و شرایط خارجی دارای میزانی از ثبات باشند.

راهبردها (کنش‌ها و تعاملات):

راهبردها (کنش‌ها و تعاملات)، یکی دیگر از عناصر مدل هستند. دانایی‌فرد و اسلامی (۱۳۹۰) کنش‌ها و تعاملات را بیانگر رفتارها و تعاملات هدف‌داری می‌دانند که در پاسخ به طبقه محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و بستر حاکم

ایجاد می‌شوند. مهم‌ترین راهبردهای پژوهش حاضر عبارت‌اند از: بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه، ارتقای جایگاه بین‌الملل دانشگاه، ارتقای وضعیت آموزشی، بهبود فعالیت‌های پژوهشی و ارتقای سطح تعاملات. افزایش کیفیت در آموزش عالی موضوعی است که از گذشته تاکنون همواره مورد توجه بوده است. در این میان افزایش کیفیت آموزش، برنامه‌داری و دوره‌های کارورزی، افزایش اطلاع‌رسانی و آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی، نرخ اشتغال و بیکاری از اهمیت فراوانی برخوردار هستند. یکی دیگر از راه‌های افزایش کیفیت، ارتقای دوره‌های کارورزی است. از جمله اقدامات مربوط به بهبود کیفیت عملکرد دانشگاه، اخذ مستمر نظرات صاحب‌نظران و مشارکت کارفرمایان و مدیران در تدوین، اجرا و بازنگری برنامه‌داری، ارتقای دوره‌های کارورزی، توجه به آموزش‌های میان‌رشته‌ای و چند رشته‌ای، تشکیل بانک اطلاعات شغلی و افزایش اطلاع‌رسانی و آشنایی دانشجویان با فرصت‌های شغلی، نرخ بیکاری و اشتغال رشته‌ها و دعوت از صاحبان کسب و کارهای موفق در زمینه رشته تحصیلی برای سخنرانی و تدریس است. پور آتشی (۱۳۹۷)، پاترسون^۱ (۲۰۱۷)، فنتا^۲ (۲۰۱۹) و همکاران معتقد هستند که کارورزی از عوامل مؤثر بر اشتغال‌پذیری است.

راهبرد دیگر مؤثر بر اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی ارتقای جایگاه بین‌الملل دانشگاه است. برای ارتقای جایگاه بین‌المللی باید بستر لازم برای تعامل فعال با سایر کشورها در زمینه آموزش، پژوهش و فناوری ایجاد شود؛ از این رو، با افزایش میزان مأموریت‌های علمی و فرصت‌های مطالعاتی، رشد تبادلات استاد و دانشجو با سایر کشورها، اجرای پروژه‌های آموزشی مشترک با مراکز علمی خارج از کشور و حمایت از برگزاری کارگاه‌های آموزشی و پژوهشی و همایش‌های علمی در سطح ملی، منطقه و بین‌المللی می‌توان به این مهم دست یافت. ملکی‌نیا و همکاران (۱۳۹۷) افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی را در سطح بین‌المللی یکی از استراتژی‌های آموزش عالی در عصر جهانی شدن می‌دانند.

یکی دیگر از راهبردهای پژوهش حاضر، ارتقای وضعیت آموزشی است. به منظور ارتقای وضعیت آموزشی باید بستر مناسب برای اجرای برنامه‌های آموزش عملی و تجربه‌محور از طریق حضور دانشجویان در میدان کار برای تحریک ذهن و دریافت چالش‌های علمی، استفاده از تکنولوژی و هوشمندسازی کلاس‌های درس برای شبیه‌سازی کسب و کارها ایجاد شود. وارتون و هوراکس به حضور در میدان کار و کلاس‌های عملی برای مهارت‌های اشتغال‌پذیری تأکید می‌کنند (وارتون و هوراکس، ۲۰۱۸). بهبود فعالیت‌های پژوهشی از دیگر عواملی است که به عنوان راهبرد در نظر گرفته شده است.

کاربردی و تجاری‌سازی پژوهش‌های دانشگاهی یکی از راهبردهای مهم پژوهشی در نظر گرفته می‌شود. با جهت‌دهی پایان‌نامه‌ها به سمت تحقیقات کاربردی و میدانی و کارهای هدایت‌شده از سوی صنایع، حمایت از کارهای پژوهشی با محوریت دانشگاه و بازار کار، توسعه قطب‌های علمی-پژوهشی برای پژوهش‌های گروهی هدفمند پژوهش‌های دانشگاهی کاربردی و تجاری می‌شود و فعالیت‌های پژوهشی بهبود می‌یابد. بهبود ارتباطات فردی و سازمانی از جمله اقدامات مهم در راستای راهبرد ارتقای سطح تعاملات هستند. فراهم کردن زمینه برای شبکه‌سازی دانشجویان با جامعه کارآفرینان و ارتقای روحیه کار گروهی در کلاس درس به بهبود ارتباطات فردی منجر می‌شود؛ همچنین از طریق گسترش و تقویت هماهنگی بین بخش‌های مختلف صنعت، دانشگاه و دولت، ایجاد ارتباط میان مجریان و برنامه‌ریزان آموزشی برای رفع ایراد دوره‌ها می‌توان ارتباطات سازمانی را نیز بهبود بخشید. بهبود ارتباطات فردی و سازمانی سبب

1 Paterson

2 Fenta

ارتقای سطح تعاملات می‌شود. پارادو-گارسیا و باراک^۱ معتقدند که ایجاد شبکه ارتباطی با کارفرماها از ابتکارات لازم برای آموزش کارآفرینی و یادگیری تجربی و تجربه استاد-دانشجو و انجام پروژه‌های گروهی سبب بهبود اشتغال‌پذیری می‌شود.

پیامدها:

با توجه به گفته‌های دانایی‌فرد و اسلامی (۱۳۹۰)، مقوله‌هایی که در اثر استفاده از راهبردها به وجود می‌آیند، نشان‌دهنده نتایج و پیامدها هستند. با توجه به نبود ثبات و اطمینان موجود در بازار کار، بدون شک اشتغال‌پذیری یکی از عوامل اصلی در موفقیت شغلی دانش‌آموختگان در نظر گرفته می‌شود. اشتغال‌پذیری از طریق شکل‌گیری مهارت و توانایی‌ها سبب تسهیل فرآیند اشتغال دانش‌آموختگان می‌شود و نقش مهمی در کاهش بیکاری و رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. پیامدهای ناشی از اشتغال‌پذیری در سطح فرد، سازمان و کلان طبقه‌بندی می‌شود. در سطح فرد، اشتغال‌پذیری سبب رشد و شکوفایی فردی از جمله افزایش میزان خبرگی و تخصص فردی، نشاط و انگیزه اساتید و دانشجویان، منزلت اجتماعی، میزان مهارت‌های کاری و فراشناختی و تعداد دانش‌آموختگان کارآمد در جامعه می‌شود. در سطح سازمان اشتغال‌پذیری باعث افزایش بهره‌وری منابع انسانی می‌شود. برخی از پیامدهای شناسایی شده در این سطح عبارت‌اند از: بهبود عملکرد و افزایش کارایی و اثربخشی، افزایش کیفیت آموزش عالی و نیروی کار دانش‌آموخته. اشتغال‌پذیری در سطح کلان سبب استفاده بهینه از سرمایه‌های انسانی و مالی، توسعه اقتصادی پایدار و افزایش پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضاهای جامعه می‌شود. برخی از پیامدهای شناسایی شده در این حوزه عبارت‌اند از: کاهش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی، توسعه کارآفرینی و خوداشتغالی، افزایش تحرک و عدالت اجتماعی، افزایش پاسخ‌گویی به دولت، تقاضای اقتصادی، اجتماعی، میزان انتظارات اجتماعی، افزایش میزان اعتماد مردم به آموزش عالی و ادامه تحصیل.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود، دانشگاه‌ها موقعیت‌هایی برای تجربه مبتنی بر کار و مکان‌های مناسب کارآموزی را برای دانشجویان فراهم کنند تا از این طریق تجربه دانشجویان برای فعالیت در بازار کار بهبود یابد. مجموعه اساتید با ایجاد شبکه‌ای فعال و گسترده این موقعیت را برای دانشجویان ایجاد می‌کنند. دانشگاه‌ها باید از طریق تشکیل مراکز توسعه شغلی، افزایش ارتباط با مراکز شغلی و بنگاه‌ها و طراحی برنامه‌های متنوع برای آشنایی کارآموزان با بازار کار پیوند مناسبی میان آموزش‌ها و نیازهای بازار کار ایجاد کنند. در دانشگاه باید در کنار آموزش‌های دانشگاهی توجه ویژه‌ای به مشاوره و هدایت صحیح شغلی معطوف شود. در این خصوص بهتر است، دانشگاه به منظور حضور کارفرماها و کارآفرینان برای ارائه سخنرانی یا برگزاری دوره و کارگاه‌های آموزشی و همچنین مشارکت و همکاری در طراحی و بازنویسی دوره‌های درسی برنامه‌های منظمی طراحی کند. دانشگاه با راه‌اندازی سیستم جامع اطلاعاتی از نیازهای بازار و کارفرمایان اطلاعات لازم را در خصوص میزان انتظارات بازار کار در اختیار دانشجویان قرار دهد؛ همچنین لازم است، فرهنگ کارآفرینی و تربیت نیروی کارآفرین از طریق اصلاح نارسایی‌ها و آموزش‌های اصولی (ترکیب آموزش نظری و عملی) مدنظر قرار گیرد؛ از این رو، نیاز است، اساتید در تدریس خود هم‌زمان تئوری و عمل را باهم تدریس کرده و از ارائه آموزش‌ها به صورت تئوری‌وار و بدون توجه به زمینه‌های عملیاتی خودداری کنند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش، بهره‌مند نشدن از نظرات دانش‌آموختگان است. از آنجا که مدل اشتغال‌پذیری برای دانش‌آموختگان و کمک به آنها طراحی شده است، پیشنهاد می‌شود، از نظرات آنها نیز در این خصوص استفاده شود. محدودیت دیگر این پژوهش، استفاده از جامعه آماری کوچک در سطح دانشگاه شهید چمران اهواز است. با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع پیشنهاد می‌شود، یک پایگاه داده با جزئیات بیشتر جمع‌آوری شده و با تمام افراد متخصص این حوزه در سراسر کشور از جمله طراحان برنامه درسی، مدیران آموزش عالی و متولیان دولت در این زمینه مصاحبه‌های عمیق انجام شود. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش، در نظر نگرفتن سهم متفاوت رشته‌های مختلف در اشتغال‌پذیری است؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود، مدلی کلی برای اشتغال‌پذیری رشته‌های مختلف طراحی و در مراحل بعدی مدل‌ها با تمرکز به نام تجاری و سهم دانشگاه در اشتغال‌پذیری رشته‌های مختلف طراحی شده و میزان موفقیت هر دانشگاه در این زمینه بررسی شود. با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، پیشنهادهای پژوهش به طراحان آینده عبارت‌اند از:

- طراحی مدل‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان به صورت خرد در سطح رشته‌های تحصیلی
- طراحی مدل اشتغال‌پذیری با نظرخواهی یا مصاحبه از دانشجویان
- طراحی مدل اشتغال‌پذیری برخاسته از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی موجود
- طراحی مدل اشتغال‌پذیری با تمرکز بر دانشگاه‌های موفق

منابع

- اکبری، زهرا. (۱۳۹۷). ضرورت تهیه و تدوین و گنجاندن واحد درسی مهارت‌های نرم یا عمومی لازم برای دانشجویان علوم پزشکی در برنامه درسی آنها. *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد*، ۱۳(۲): ۱۳۹-۱۱۴.
- بازرگان هرندی، عباس. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات دیدار.
- پور آتشی، مهتاب. (۱۳۹۷). ارزیابی نقاط قوت و راهکارهای ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان کشاورزی. *پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، ۱۰، ۳۱-۱۸.
- غلامی، حسام‌الدین، حجازی، یوسف، حسینی، محمود و رضوانفر، احمد. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی در اشتغال‌پذیری دانشجویان رشته‌های کشاورزی: مورد مطالعه: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۹(۳)، ۵۵۸-۵۴۵.
- دانایی‌فر، حسن و اسلامی، آذر. (۱۳۹۰). *کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- درویشان، علی، تسلیمی، محمد سعید و حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۹۸). طراحی مدل مهارت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان آموزش عالی کشور؛ نمونه موردی بنگاه‌های کوچک و متوسط استان تهران. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۰، ۱۹-۷.
- رحیمی، ثریا و محمدزاده، جواد. (۱۳۹۵). مسئولیت نهادهای علمی و دانشگاه‌ها در مواجهه با چالش‌های معاصر. *فصلنامه حبل‌المتین*، ۵، ۴۹-۳۴.

- رحیمی، بهروز. (۱۳۹۷). فراتحلیل چالش‌های محیط آموزش عالی در قرن بیست و یکم به‌عنوان الگوی جهت‌گیری برنامه‌های درسی. *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۹، ۱۶۶-۱۱۵.
- روشنی، فاطمه، امیرحسینی، احسان و حمیدی، مهرزاد. (۱۳۹۹). شناسایی قابلیت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان تربیت بدنی با استفاده از رویکرد داده بنیاد. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱۱، ۳۳۴-۲۹۱.
- سراجی، فرهاد. (۱۳۹۷). راه‌های ترویج و توسعه صلاحیت‌های کارآفرینی در دانشجویان. *آموزش مهندسی ایران*، ۲۰، ۳۷-۵۶.
- شاکری، محسن، برزگر بفرویی، کاظم و جمشیدی، محمد علی. (۱۳۹۸). ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد براساس نظریه داده بنیاد. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۸، ۵۹-۳۹.
- شریفی اسدی ملفه، فاطمه، خراسانی، اباصلت، فتحی واجارگاه، کوروش و صالحی عمران، ابراهیم. (۱۳۹۸). تعیین مؤلفه‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاهی با رویکرد آمیخته اکتشافی. *نظریه و عمل در برنامه درسی*، ۷، ۲۹-۵۲.
- شرفی، محمد و عباس‌پور، عباس. (۱۳۹۴). شناسایی قابلیت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها براساس نظریه داده بنیاد. *نوآوری و ارزش آفرینی*، ۷ (۴)، ۴۸-۳۳.
- قادری، مصطفی، محمدیان، کویستان، کشاورز زاده، علی، قاسمی، مجید، ریگی، عاطفه و ساعد لطف‌الله. (۱۳۹۷). شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری مبتنی بر بازار کار در آموزش عالی ایران: ارائه یک مدل مفهومی. *علمی پژوهشی آموزش عالی ایران*، ۱۰ (۳)، ۱۳۸-۱۱۱.
- کیایی جمالی، مهدی، موسی‌پور، نعمت‌الله؛ فتحی واجارگاه، کوروش و خراسانی، اباصلت. (۱۳۹۷). سیر تحول برنامه‌های درسی در نظام آموزش عالی ایران. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱۴ (۲)، ۷۶-۴۱.
- گل پیچ، زینب، سلیمانیان، علی اکبر و امانی، زکیه. (۱۳۹۸). نقش اعضای هیئت علمی در فرآیند کاریابی فارغ‌التحصیلان دانشگاه: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران*، ۱۱ (۲)، ۵۸-۲۷.
- گودرزوند چگینی، مهرداد. (۱۳۹۷). رویکرد دانشگاه‌های نسل چهارم کار و عمل (مورد مطالعه: دانشگاه‌های کمبریج، استنفورد و هاروارد). *آموزش مهندسی ایران*، ۲۰، ۱۶-۱.
- مزینی، امیرحسین. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی جذب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی کشور به بازار کار (با تأکید به نقش پارک‌های علم و فناوری). *فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران*، ۹ (۲)، ۵۰-۱۹.
- مقدس، سپیده و پریسا، نیلفروشان. (۱۳۹۹). رابطه مسیر شغلی بی‌مرز و استخدام‌پذیری: نقش صلاحیت‌های مسیر شغلی. *فصلنامه مشاوره شغلی و انسانی*، ۱۲، ۱۳۸-۱۲۱.
- موثقی، احمد و کرم‌زادی، مسلم. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ثبات سیاسی بر توسعه. *فصلنامه سیاست*، ۴۱ (۳)، ۳۴۰-۳۲۱.
- ملکی‌نیا، عماد، ملکی‌نیا، زهرا و فیضی، صدیقه. (۱۳۹۷). راهبردهای مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن. *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴۰، ۵۴۵-۵۱۸.
- موحدی، رضا و سامیان، مسعود. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل مؤثر بر جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش تعاون. *تعاون و کشاورزی*، ۱۸۰، ۲۲-۱۵۱.

- Acquah, B.Y., Anti Partey, P. (2014). The Importance of Field Experience in Teacher Preparation: Perspectives of Trainee Economics Teachers in The University of Cape Coast. *International Journal of Research in Social Sciences*, 4(4), 58-63.
- Alrifia, A. A., Raju, V. (2019). A framework for employability skills of graduate in Malaysian interior design. *International Advanced Research Journal in Science, Engineering and Technology*, 6(6), 19-28. <https://www.researchgate.net/publication/335608713>.
- Brent, G., Sanger, G., John, R. (2017). A framework to embed employability initiatives in undergraduate Science, Technology, Engineering and Maths programs. *curriculum transformation*, 40, 38-49.
- Chen, Y. (2017). Graduate employability: the perspective of social network learning. *EURASIA Journal of Mathematics Science and Technology Education*, 13(6), 2567-2580.
- Dubey, R.S. & Tiwari, V. (2020). Operationalisation of soft skill attributes and determining the existing gap in novice ICT professionals. *International Journal of Information Management*, <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2019.09.006>.
- Eurico, S. T., Da Silva, J. A. M., Do Vlle, P. (2015). A model of graduates' satisfaction and loyalty in tourism higher education: The role of employability. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 16:30-42.
- Fenta, H. M., Asnakew, Z. S., Debele, P. K., Nigatu, S. T., Muhaba, A. M. (2019). Analysis of supply side factors influencing employability of new graduates: A tracer study of Bahir Dar University graduates. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 10(2), 67-85. <https://ojs.deakin.edu.au/index.php/jtlge/>.
- Finch, D. J., Peacock, M., Levallet, N., & Foster, W. (2016). A dynamic capabilities view of employability. *Education+ Training*, 58, 61-81.
- Harry, T., Chinyamurindi, W.T., Mjoli, T. (2018). Perceptions of factors that affect employability amongst a sample of final-year students at a rural south African university. *SA Journal of Industrial Psychology*, 44(0), 1-10.
- Iaco, S.d., Maggio, S., Posa, D. (2018). A Multilevel multinomial model for the dynamics of graduates employment in Italy. *Soc Indic Res*, <https://doi.org/10.1007/s11205-018-1884-5>.
- Keiper, M. C., Sieszputowski, J., Morgan, T., Mackey, M. J. (2019). Employability skills a case study on a business-oriented sport management program. *Journal of Business Education & Scholarship of Teaching*, 13(1), 59-68.
- Kiaee Jamali, S.M., Moosapour, N., Fathi Vajargah, K., Khorasani, A. (2018). The evolution of curriculum in Iran's higher education system. *New thoughts on educational*, 14(2), 41-76.
- Lasakova, A., Bajzíkóvá, L., Dedze, I. (2017). Barriers and drivers of innovation in higher education: Case study-based evidence across ten European universities. *International Journal of Educational Development*, 55, 69-79.
- Lisa, E., Hannelova, K., Newman, D. (2019). Comparison between employers' and students' expectations in respect of employability skills of university graduates. *International Journal of Work-Integrated Learning*, 20(1): 71-82.
- Lourens, E., Fourie-Malherbe, M. (2016). The employability of higher education graduates: are qualifications enough. *Journal of Graduate Market Trends*, 10-11. <http://hdl.handle.net/10545/621626>.
- Maripaz, C, A., Ombra, A, I. (2016). Graduates' competence on employability skills and job performance. *Evaluation and Research in Education*, 5(2), 119-125.
- McDonald, M., Smith, D.G. Moore, K., Marston, G. (2019). Navigating employability from the bottom up. *Journal Of Youth*, <https://doi.org/10.1080/13676261.2019.1620925>.
- Misnia, F., Nik Mahmooda, N.H., Jamil, R. (2020). The effect of curriculum design on the employability competency of Malaysian graduates. *Management Science Letters*, 10, 909-914.
- Monteiro, S., Almeida, L., Gomes, C., Sinval, G. (2020). Employability profiles of higher education graduates: a person-oriented approach. doi:10.1080/03075079.2020.1761785.
- Muvita, K., (2018). Tanzania graduate employability: perception of human Resource management practitioners. *International Journal of Human Resource Studies*, 8(2): 263-273.

- Ornellas, A., Falkner, K., Stalbrandt, E.E. (2018). Enhancing graduates' employability skills through authentic learning approaches. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning Emerald Publishing*. doi: 10.1108/HESWBL-04-2018-0049.
- Pardo-Garcia, C., Barac, M. (2020). Promoting employability in higher education: a case study on boosting entrepreneurship skills. *Journal of Sustainability*, 12: 1-23. <http://dx.doi.org/10.3390/su12104004>.
- Paterson, R. (2017). Because sometimes your failures can also teach you certain skills': lecturer and student perceptions of employability skills at a transnational university. *Qualitative Research in Education*, 6(3), 241-275. <http://dx.doi.org/10.17583/qre.2017.2583>.
- Pitan, O. S. (2017) Towards enhancing university graduate employability in Nigeria. *Journal of Sociology and Social Anthropology*, 7(1), 1-11.
- Ping, W. S., Roslan, S., Yan-Li, S., Sulaiman, T., Ab Jalil, J. (2018). employability of undergraduate students in a Malaysian higher educational. *Institution. Educational Leader (Pemimpin Pendidikan)*, 6,165-182.
- Romgens, I. Scoupe, R. & Beusaert, S. (2019). Unraveling the concept of employability, bringing together research on employability in higher education and the workplace. *Journal homepage: https://doi.org/10.1080/03075079.2019.1623770*.
- Sharma, H. (2020). The nexus between future of work and higher education: redefining employability in the 21st century. <https://doi.org/10.21243/mi-01-20-7>.
- Su, W., Zhang, M. (2015). An integrative model for measuring graduates' employability skills—a study in China. *Cogent Business & Management*, 2, 1-11. <http://dx.doi.org/10.1080/23311975.2015.1060729>.
- Strauss, A., Corbin, J. (2008). **Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory**. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Tang, k. N. (2019). Innovate higher education to enhance graduate employability. *Pertanika J. Soc. Sci. & Hum*, 27(3), 1727-1738.
- Thirunavukarasu, G., Chandrasekaran, S., Betageri, V.S., Long, J. (2020). Assessing learners' perceptions of graduate employability. *Journal Sustainability*, 1-17. doi: 10.3390/su12020460.
- Wharton, Y. & Horrocks, J. (2018). Students' perceptions of employability within their degree programme: highlighting the disparity between what academics believe is included and the student experience. *Conference: Enhancement and Innovation in Higher Education*. <https://www.researchgate.net/publication/323628997>.
- Walker, M. & Fongwa, S. (2017). Human development, capabilities and graduate employability, *Journal homepage: https://doi.org/10.1057%2F978-1-137-58452-6_9*.
- Yawson, D.E. Yamoah, F. M. Sarpong, F.O. & Abban-Ampiah, G. (2020). Inculcating employability skill sets in undergraduates through employability embedded courses: students experience Anatomisation. *Archives of Business Research*, 8(6), 156-179.
- Yorke, M. (2017). Employability in higher education: what it is – what it is not. <https://www.researchgate.net/publication/225083582>.